

تبلیغات معکوس

به پیش
تأییدی

ایران امروز و هزینه های سنگین کشوری
که بدون حزب اداره می شود





هفته‌نامه غیر برخط اراده ملت

ه آذر سال ۱۴۰۴ / شماره ۱۰۰



صاحب‌امتیاز:

حزب اراده ملت ایران

مدیرمسئول:

رحیم حمزه

سر دبیر:

علیرضا مقدم

مدیر اجرایی:

حسن غلامی

ویراستار:

مریم کوشکی

همکاران این شماره:

محمد حسین واحدی / رضا فضلعلی / فاطمه

قدم / طیبه معصومی / بهزاد میقانی / فاطمه

وهاپی زاده / نیر وانا مهر آیین / مهتاب قصابی

/ محمد آخوندپور امیری

نشانی:

خیابان جمالزاده شمالی - نبش کوچه زند - ساختمان

۱۱۰- واحد ۲۲

تلفن:

۰۹۳۰۵۴۲۹۵۱۵ - ۰۲۱۶۶۴۳۱۶۱۶



این هفته نامه

ارگان رسمی حزب اراده ملت است



کلام مدیر مسئول: ایران امروز و هزینه‌های سنگین کشوری که بدون حزب اداره می‌شود..... ۳

سرمقاله: تبلیغات معکوس..... ۴

بین المللی

ایران و غرب: تقابل یا مذاکره..... ۶

سکوت جهانی و عدالت معلق در غزه..... ۷

سیاست

نقش احزاب از نگاه حاکمیت در ایران: تحلیل نظری و تاریخی..... ۱۰

قدرت‌مندان جهان از ایران چه می‌خواهند؟..... ۱۲

اقتصاد

اساس کار این بانک رفاقتی بود..... ۱۶

خطر حذف ارز ترجیحی و تبعات آن بر اقتصاد کشور..... ۱۷

اجتماعی

ازدواج کودک، فقر و چرخه آسیب اجتماعی..... ۱۹

اهمیت قشر کارگر در توسعه اقتصادی و اجتماعی جوامع..... ۲۰

اندیشه

انقلاب وسطی..... ۲۳

بازخوانی ابتدال شر و عدالت ترمیمی در اندیشه هانا آرنت..... ۲۵

«رهایی از زندان نام‌ها»..... ۲۶

از بحران تا بهره‌وری: چگونگی استفاده از سیلاب در کشور..... ۵۲

معرفی کتاب

در اندیشه ایران..... ۳۰

نقد و بررسی کتاب «قانون و مسئولیت»..... ۳۲

محیط زیست

همایش «کودک و طبیعت» در هفته ملی کودک برگزار شد..... ۳۴

بیانیه در خصوص وضعیت نگران‌کننده پارک چیتگر..... ۳۵

اکالیپتوس: ناجی سبز یا تهدید خاموش برای منابع آب زیرزمینی..... ۳۶

جهان در هفته ای که گذشت ۹۹

اخبار حزبی

حکیمی‌پور دبیرکل حزب اراده ملت ایران شد..... ۴۱

آغاز به کار گروه تلفیق برنامه‌ریزی بلندمدت حزب اراده ملت ایران..... ۴۱

ابقا هیات اجرایی با حضور دبیرکل جدید..... ۴۲

«مدرسه حزبی ۳»: آغاز دوره زمستان در افق تازه اندیشه و آموزش سیاسی..... ۴۲

(بعضی از مطالب این نشریه گردآوری می‌باشد و بسیاری از عکس‌ها از سایت‌های مختلف برداشته شده است.

از همه تهیه‌کنندگان اولیه تشکر می‌نمائیم)

ایران امروز و هزینه های سنگین کشوری که بدون حزب اداره می شود



رحیم حمزه

۳- بحران های اجتماعی؛ نشانه های عریان فرسودگی نهادی گزارش های اخیر درباره ازدواج کودکان، فقر مزمن، ترک تحصیل های گسترده و افزایش خشونت خانوادگی، بازتاب مستقیم ضعف نهاد های حامی جامعه است. در حکمرانی حزبی، مسائل اجتماعی «مسئله سیاسی» هستند؛ در حکمرانی بدون حزب، این مسائل فقط «آمار» می شوند. وقتی نهاد حزبی حامی وجود ندارد، آسیب های اجتماعی دیده می شوند اما به برنامه بدل نمی شوند، گفته می شوند اما به سیاست عمومی ترجمه نمی شوند، گزارش می شوند اما در ساختار تصمیم گیری اثر نمی گذارند. به همین دلیل است که بحران های اجتماعی در ایران، به جای کاهش، در حال «انباشت» و «تکرار نسلی» هستند.

۴- چرا حکمرانی حزبی ضرورت است، نه انتخاب؟ حزب، حافظه نهادی است؛ بدون حزب، هر دولت از صفر شروع می کند، خطاها تکرار می شوند و تجارب یک نسل برای نسل بعد به ارث نمی رسد. در ایران امروز، حافظه حکمرانی گسسته و کوتاه مدت است؛ حزب، قدرت را از فرد به نهاد منتقل می کند. وقتی ساختار سیاسی حزب محور نباشد، تصمیمات سنگین بر دوش افراد می افتد و پاسخ گویی گم می شود. حزب، برنامه تولید می کند؛ برنامه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاست خارجی در ساختار حزبی «پیش نویس» نیست، «پروژه» است. حزب، مرجع تضارب آراست؛ حاکمیت بدون بحث و رقابت برنامه ای نمی تواند تصمیمات باکیفیت اتخاذ کند. حزب، مشارکت اجتماعی را از انتخابات دورای فراتر می برد؛ جامعه ای که فقط هر چهار سال مشارکت می کند، مشارکت ندارد؛ تماشاگری منفعل است.

ایران بدون حزب، در برابر بحران ها بی دفاع می ماند؛ واقعیت این است که امنیت سیاسی، ثبات اقتصادی و سلامت اجتماعی در ایران امروز هر سه یک نقطه شکست مشترک دارند، فقدان نهاد های حزبی که بتوانند سیاست گذاری پایدار، قابل پیش بینی و پاسخ گو ایجاد کنند. حکمرانی حزبی، نه امتیاز روشنفکری است، نه خواسته گروهی؛ بلکه ساختار ضروری برای کشوری است که می خواهد آینده داشته باشد. تا وقتی تصمیمات بزرگ بدون برنامه حزبی، بدون پشتوانه نهادی و بدون مسئولیت پذیری جمعی اتخاذ می شوند، ایران در برابر هر بحران تازه، بی دفاع خواهد ماند. جامعه ما به مرحله ای رسیده که «حکمرانی بدون حزب» دیگر پاسخ گو نیست. بدون بازسازی نهادی و ایجاد نظام حزبی واقعی، بحران ها نه تنها ادامه می یابند، بلکه عمیق تر می شوند.

چند ماه گذشته برای جامعه ایران، دوره ای بود که در آن «بحران ها» نه به عنوان رویدادهای پراکنده، که به صورت رشته ای به هم پیوسته جلوه کردند؛ از تشدید فشارهای بین المللی و احتمال فعال سازی سازوکارهای تنبیهی، تا مناقشات سیاست ارزی و حذف ارز ترجیحی، و نیز موج های تازه ای از آسیب های اجتماعی چون ترک تحصیل، فقر و ازدواج کودکان. این رخدادها هر کدام پیام واضحی دارند، اما معنای مشترکشان یک چیز است:

ساختار تصمیم گیری کشور فاقد نهادهایی است که بتوانند تصمیم های پایدار، قابل پیش بینی و پاسخ گو تولید کنند. این همان جایی است که مفهوم حکمرانی حزبی از یک بحث روشنفکری تبدیل می شود به یک ضرورت حیاتی برای بقای جامعه سیاسی ایران.

۱- سیاست خارجی بدون نهاد؛ تصمیمات سنگین بدون پشتوانه جمعی تحولات مرتبط با مکانیسم های فشار بین المللی در هفته های اخیر نشان داد که سیاست خارجی ایران همچنان فردمحور است، نه نهادمحور. در نظام حزبی کارآمد، سیاست خارجی محصول رقابت برنامه ای احزاب است، نه نتیجه سلیقه دولت و نه واکنش های نقطه ای به فشارهای لحظه ای. وقتی سیاست خارجی از مسیر «حزب» نمی گذرد، کشور با تصمیماتی روبه رو می شود که ریسک شان بر دوش کل جامعه می افتد، اما مسئولیت شان بر عهده هیچ نهادی نیست. ایران امروز به ساختاری نیاز دارد که بتواند سیاست خارجی را عقلانی، پایدار و قابل دفاع کند نه اینکه هر موج بین المللی به بحران داخلی تبدیل شود.

۲- بحث حذف ارز ترجیحی؛ نمونه ای درس آموز از اقتصاد بدون نهاد حزبی مناقشه بزرگ این روزها درباره حذف ارز ۲۸۵۰۰ تومانی و پیامدهای آن بر کالاهای اساسی، نسخه دیگری از همان مشکل ساختاری است. تجربه حذف ارز ۴۲۰۰ تومانی در سال ۱۴۰۱ نشان داد که تصمیمات اقتصادی بدون پشتوانه نهادی هزینه ساز می شوند: موج تورم، کاهش قدرت خرید، فقر لایه های جدید و بی ثباتی در بازار. در کشورهایی با حکمرانی حزبی، چنین سیاست هایی بدون «ارزیابی پیامد»، «پیشوست اجتماعی» و «برنامه جبرانی» ممکن نیست. اما در ساختار کنونی ایران، سیاست های ارزی با سرعتی تعیین می شوند که حتی مجلس و کارشناسان اقتصاد نیز فرصت ارزیابی ریسک های آن را پیدا نمی کنند. این چرخه، وجه اقتصادی همان مشکل سیاسی است: نبود نظام حزبی؛ نبود برنامه؛ نبود پاسخ گویی؛ تکرار بحران.



هفته نامه غیر برخط اراده ملت

شماره ۱۰۰

۵ آذر سال ۱۴۰۴

تبلیغات معکوس



علیرضا مقدم

کنند!

۲- قداست‌زدایی از نمادها

افراط در بهره‌برداری از نمادهای ملی، فرهنگی یا مذهبی نتیجه‌ای پیش‌بینی‌ناپذیر دارد: فرسایش معنایی! نمادی که قرار بود وحدت‌آفرین باشد، به کالا و ابزار مصرفی تبدیل می‌شود و به‌جای احترام، بی‌تفاوتی یا حتی تمسخر می‌زاید.

۳- تناقض میان گفتار و کردار، آغاز پایان

هیچ چیز به اندازه دوگانگی میان اعلام ارزش‌ها و رفتار واقعی نظام حکمرانی، مشروعیت‌زدا نیست. عدالت‌طلبی در شعار و فساد در عمل؛ سخن از آزادی در کنار سانسور و سرکوب؛ دعوت به همبستگی اما رفتار تبعیض‌آمیز این‌ها سوخت موتور ضدتبلیغات هستند. وقتی گفتمان رسمی فرو می‌ریزد، روایت‌های غیررسمی جان می‌گیرند: طنزهای خیابانی، شبکه‌های اجتماعی، شایعات، و تجربه‌های شخصی از ناکارآمدی. این جریان زیرپوستی، بدون بودجه و بی‌ستاد تبلیغات، چون نیرویی خودسامان گسترش می‌یابد و اعتماد فروریخته را به هویت اعتراضی بدل می‌کند. تبلیغات مؤثر زمانی ممکن است که اقناع ممکن باشد. وقتی حاکمیت به تهدید و سرکوب پناه می‌برد، یعنی پروپاگاندا قدرت نرم خود را از دست داده است. از این‌جا به بعد، هر پیام رسمی از سوی بخشی از جامعه مترادف با تحکم، فریب یا پنهان‌کاری تلقی می‌شود.

به اختصار باید گفت:

پروپاگاندا تا زمانی کار می‌کند که مردم بین گفتار و واقعیت تعارض نیابند، اعتماد حداقلی باقی باشد و گفتمان‌های رقیب امکان بروز داشته باشند اما اگر این پایه‌ها فرو بریزند، تبلیغات به جای تولید محبوبیت، انرژی منفی تولید می‌کند و خود به عاملی برای تضعیف مشروعیت تبدیل می‌شود. از این نقطه به بعد، بی‌صدترین و هوشمندترین زبان جامعه یعنی طنز، کنایه و روایت‌های شخصی پرچم حقیقت را به دست می‌گیرند. تجربه نشان داده است قدرت‌هایی که از واقعیت می‌گریزند، حتی با بلندترین بلندگوها نمی‌توانند شناخته شوند؛ بلکه تنها رسواتر می‌شوند! و روزبه‌روز از اعتبار شان کاسته می‌شود!

چه زمانی تبلیغات نتیجه عکس می‌دهد. و چرخه زوال اعتماد و تولد ضدتبلیغات شکل می‌گیرد؟ تبلیغات سیاسی قرار است تصویر سازد: تصویری از اقتدار، پیشرفت، وحدت و امید. اما تاریخ نشان داده است که برخی دولت‌ها، با وجود سرمایه‌گذاری کلان در پروپاگاندا، نه تنها محبوب‌تر نمی‌شوند، بلکه بتدریج با موجی از بی‌اعتمادی و استهزا مواجه می‌گردند. این پدیده که در علوم ارتباطات با عنوان «پروپاگاندا معکوس» (backfire propaganda) یا «تبلیغات عقیم» شناخته می‌شود، هشدار است برای هر قدرتی که تصور کند کنترل رسانه، کنترل افکار عمومی را در دست دارد! توان تبلیغات در گروی اعتماد است! پروپاگاندا بر یک پیش‌فرض ساده بناست: مخاطب باید دست‌کم بخشی از گفته‌های مبدأ پیام را باور کند. به محض آنکه این اعتماد تضعیف شود، هر پیام رسمی در معرض تفسیر معکوس قرار می‌گیرد. حتی واقعیت‌ها نیز در ذهن مردم، به «روایت‌هایی برای فریب» بدل می‌شوند. روایت وقتی می‌میرد که واقعیت تکذیبش کند!

طبق نظرسنجی مؤسسه ادلمن (EdelmanTrust Barometer) ۶۱٪ مردم جهان باور دارند دولت‌ها عامدانه اطلاعات غلط منتشر می‌کنند. در کشورهایی با بحران اقتصادی، اعتماد به پیام‌های رسمی تا ۳۰٪ کاهش پیدا می‌کند. شکاف بین داستان تبلیغاتی و تجربه روزمره، قاتل خاموش پروپاگاندا است. مردمی که هر روز با بحران اقتصادی، ناکارآمدی اداری یا تبعیض سیستماتیک درگیرند، نمی‌توانند به تصویرهای رنگی و شعارهای اطمینان‌بخش واکنش مثبت نشان دهند.

در چنین وضعیتی، هر تبلیغ با وجود هزینه گزاف و ظاهر موفقیت‌آمیز به جای امید، تحقیر می‌آفریند: «پس مشکل از ماست که این همه خوبی را نمی‌بینیم؟»

۱- تک‌صدایی مرگ خلاقیت است! در نبود رقابت گفتمانی، تولید محتوای تبلیغاتی به تکرار و کلیشه‌گرایی می‌افتد.

شعارهایی که روزی اثرگذار بودند، به پس‌زمینه‌ای بی‌خاصیت بدل می‌شوند. وقتی پیام‌ها تازه نیستند، مردم راهی برای شنیدن شان پیدا نمی‌کنند، نمی‌توانند با آن ارتباط برقرار



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۱۰۰
۵ آذر سال ۱۴۰۴

بين الملل



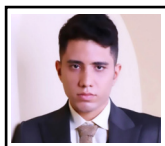


هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۱۰۰

۵ آذر سال ۱۴۰۴

ایران و غرب؛ تقابل یا مذاکره



محمد حسین واحدی

در فضای سیاست خارجی امروز ایران، پرسش محوری این است که مسیر پیش رو میان تهران و غرب در کدام نقطه ایستاده است؛ جایی میان گفت و گوهای دشوار، تنش های رو به افزایش، و فهرستی از مطالبات متقابل که هر روز پیچیده تر می شود. رفتار بازیگران منطقه ای، سیاست های متغیر قدرت های جهانی و برداشت های متفاوت از تهدید و فرصت، همگی تصویری چندلایه ساخته اند که نیازمند بازخوانی دقیق است. نوشتار پیش رو تلاش می کند بدون قطعیت سازی، از زاویه ای تحلیلی به این چشم انداز نگاه کند و نشان دهد چرا فهم متقابل میان ایران و غرب به یکی از سخت ترین مقاطع تاریخی خود رسیده است.

نشان می دهد که بازیگران ثالث نیز در سخت تر شدن مسیر مذاکرات نقش داشته اند. سیاست های تهاجمی تر اسرائیل، رویکردهای سخت گیرانه برخی دولت های آمریکا و فشارهای منطقه ای، فضای بی اعتمادی را افزایش داده و امکان گشودن پنجره های تازه برای گفتگو را محدود کرده است. در سوی مقابل نیز ایران می توانست از برخی فرصت های دیپلماتیک و اقتصادی بهتر بهره برد و ظرفیت های نرم خود را برای تأثیر گذاری در سطح بین المللی فعال تر کند. موضوع لابی ها نیز بخشی از این تحلیل است. تازمانی که شبکه های مدافع اسرائیل در سیاست آمریکا نقش پررنگ دارند، مسیر ایران برای تأثیر گذاری مستقیم دشوار تر خواهد بود. این به معنای تعطیلی دیپلماسی نیست؛ بلکه نشان می دهد بدون فعال سازی ابزارهای نرم، سیاست وری در سطح بین الملل نتیجه محدودی دارد.

در این میان، بحث «تنوع بخشی روابط خارجی» اهمیت ویژه ای پیدا می کند. تحلیلگران معتقدند که برای ایجاد تعامل سازنده با غرب، لازم است روابط ایران با شرق نیز با رویکردی چندلایه مدیریت شود. نمونه تر کیه در این زمینه قابل تأمل است: کشوری که توانسته میان همکاری های دفاعی با روسیه و پیگیری برنامه های دفاعی با آمریکا، الگویی از سیاست خارجی متوازن ارائه دهد. این الگو، هر چند بدون چالش نبوده، آمانشان می دهد که سیاست خارجی چندمسیره می تواند فضای مانور کشورها را افزایش دهد.

به طور کلی چشم انداز پیش روی ایران و غرب همچنان پیچیده و متغیر است. استمرار در مسیر تقابل، فشارها را افزایش خواهد داد؛ اما بازگشت به دیپلماسی واقع گرایانه، بادرک متقابل از نیازها و ظرفیت های طرفین، می تواند نقطه ای باشد که از تشدید بحران جلوگیری کند. آینده رابطه ایران و غرب به کیفیت تصمیم سازی های پیش رو وابسته است؛ تصمیم هایی که اگر هوشمندانه اتخاذ شوند، شاید بتوانند از چرخه کنونی تنش عبور کرده و مسیر تازه ای ایجاد کنند.



بحث درباره آینده رابطه میان ایران و غرب، به ویژه ایران و آمریکا، دوباره به یکی از پرسش های اصلی فضای سیاسی ایران تبدیل شده است. افزایش تنش ها در منطقه، فشارهای متقابل و تغییر رفتار بازیگران بین المللی، این پرسش را پیش می کشد که آیا مسیر پیش رو به سمت گفت و گو باز می شود یا به سوی تقابل عمیق تر حرکت خواهد کرد.

در این میان، موضوع احتمال تشدید درگیری میان ایران و اسرائیل نیز بخشی از تحلیل ها را به خود اختصاص داده است. برخی ناظران معتقدند که مجموعه ای از عوامل سیاسی، امنیتی و منطقه ای می تواند در مقاطع خاص احتمال تنش را افزایش دهد. این موضوع نه به معنای پیش بینی قطعی، بلکه نتیجه کنار هم قرار دادن نشانه هایی است که بر پیچیده تر شدن مناسبات منطقه ای دلالت می کنند.

اما فراتر از این مقطع ها، پرسش اصلی در جای دیگری است: چرا مسیر دیپلماسی میان ایران و غرب سخت تر از گذشته شده؟

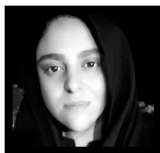
در سال های اخیر، مذاکرات طولانی و فرسایشی به لیستی از مطالبات پیچیده تر رسیده است. از یک سو، غرب محدودیت های جدی تری بر برنامه هسته ای ایران می خواهد؛ از سوی دیگر، ایران خواهان بازنگری در حضور آمریکا در منطقه و تغییر در سطح حمایت های آن از اسرائیل است. این خواسته های حداکثری، فضایی می سازد که امکان عقب نشینی برای دو طرف را دشوار می کند و فضای گفتگو را به بن بست می رساند.

در روند هر مذاکره سیاسی، پذیرش حداقل ها و چشم پوشی از بخشی از حداکثر خواهی ها، شرط رسیدن به توافق است. اما اکنون طرفین مذاکره

بیشتر بر تأکید بر مواضع خود متمرکزند تا یافتن نقاط مشترک. نتیجه اینکه سوء تفاهم ها افزایش یافته و «درک متقابل» که بنیاد دیپلماسی است، جای خود را به «انتظار عقب نشینی طرف مقابل» داده است.

تحلیل برخی کارشناسان

سکوت جهانی و عدالت معلق در غزه



نیروانا مهر آیین

در سال‌های اخیر، وضعیت نوار غزه بیش از هر زمان دیگری به یکی از پیچیده‌ترین پرونده‌های حقوق بین‌الملل و تنش‌های خاورمیانه تبدیل شده است؛ منطقه‌ای کوچک و محصور که میلیون‌ها انسان در آن زیر فشارهای چندلایه سیاسی، امنیتی و اقتصادی زندگی می‌کنند. گزارش‌های متعدد سازمان‌های بین‌المللی، تصویری از سازوکارهای تبعیض آمیز ارائه می‌دهند که پیامدهای عمیقی بر حقوق اساسی ساکنان غزه گذاشته است. نوشتار پیش رو تلاش می‌کند بدون داوری قطعی، بر اساس داده‌ها و اسناد منتشرشده، به بررسی این پرسش پردازد که چرا برخی نهادها این سیاست‌ها را در چارچوب تبعیض ساختاری تحلیل می‌کنند و چه عواملی باعث شده جامعه جهانی در واکنش به این وضعیت با احتیاط و تأخیر عمل کند.

نوار غزه، با جمعیتی نزدیک به دو میلیون نفر، یکی از مناطق پرتراکم و پرتنش جهان است که سال‌ها تحت محاصره و کنترل شدید اسرائیل قرار دارد. سازمان‌های بین‌المللی و گزارش‌های میدانی بارها اعلام کرده‌اند که سیاست‌های اسرائیل در غزه دارای ویژگی‌هایی است که از منظر حقوق بین‌الملل می‌تواند در چارچوب آپارتاید سیستماتیک طبقه‌بندی شود؛ اقدامی که هدف آن محدود کردن حقوق اساسی فلسطینیان و حفظ برتری گروهی خاص است.

طبق اساسنامه رم و کنوانسیون بین‌المللی رفع تبعیض نژادی، آپارتاید به معنای اعمال تبعیض هدفمند و سیستماتیک علیه یک گروه قومی یا نژادی است. این تبعیض می‌تواند شامل محدود کردن حقوق سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و آزادی‌های اساسی شود و مجریان آن، مسئولیت کیفری بین‌المللی دارند. محدودیت‌های حرکت و محاصره اقتصادی، یکی از نمونه‌های بارز آپارتاید در غزه است. اسرائیل کنترل کامل مرزهای غزه را در دست دارد و ورود و خروج کالا، سوخت، دارو و حتی افراد به شدت محدود شده است. بیمارستان‌ها و

مدارس در این منطقه بارها با کمبود منابع حیاتی مواجه شده‌اند، در حالی که شهروندان اسرائیلی نزدیک به این مناطق از منابع مشابهی برخوردار هستند. این محدودیت‌ها نه تنها شرایط زندگی غیرنظامیان را دشوار کرده، بلکه امکان توسعه اقتصادی و اجتماعی را تقریباً غیرممکن ساخته است. تبعیض در دسترسی به خدمات عمومی نیز مشهود است. گزارش‌ها حاکی از آن است که دسترسی به آب آشامیدنی، برق و خدمات بهداشتی در غزه محدود و غیریکنواخت است. در مناطق فلسطینی، قطعی مکرر برق، کمبود آب سالم و محدودیت در خدمات پزشکی زندگی روزمره را به خطر انداخته است، در حالی که شهروندان اسرائیلی در همان نزدیکی از این خدمات به صورت پایدار و بدون محدودیت برخوردار هستند.

سازمان عفو بین‌الملل در گزارش‌های خود صراحتاً تأکید کرده است که «ساختار قانونی، نظامی و اقتصادی ایجاد شده توسط اسرائیل، برتری یک گروه را تثبیت و حقوق اساسی فلسطینیان را به شدت محدود کرده است.» به گفته این سازمان، محدودیت‌های حرکت، تبعیض اقتصادی و محدودیت



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۱۰۰

۵ آذر سال ۱۴۰۴



در حقوق مدنی، شواهد کافی برای طبقه بندی این اقدامات به عنوان آپارتاید بین المللی فراهم می کند.

از منظر حقوق بین الملل کیفری، آپارتاید یک جرم علیه بشریت محسوب می شود. ماده ۷ اساسنامه رم، آپارتاید را جرم بین المللی اعلام کرده و مجازات هایی چون حبس طولانی مدت و حتی حبس مادام العمر برای مقامات مسؤول در نظر گرفته است. با این حال، تاکنون هیچ مقام اسرائیلی به دلیل اجرای این سیاست ها تحت محاکمه بین المللی قرار نگرفته است. چرا جهان سکوت کرده است؟

دلایل متعددی باعث شده جامعه جهانی واکنش جدی نشان ندهد:

۱. روابط ژئوپلیتیکی و امنیتی: بسیاری از کشورها، به ویژه آمریکا و کشورهای اروپایی، روابط امنیتی و اقتصادی نزدیکی با اسرائیل دارند و ترس از تضعیف این روابط باعث محدود شدن محکومیت ها شده است.

۲. نفوذ دیپلماتیک اسرائیل: لابی ها و دیپلماسی فعال اسرائیل در سازمان های بین المللی باعث کاهش فشار جهانی شده است.

۳. دسترسی محدود به شواهد: تحقیقات مستقل در غزه دشوار است و محدودیت های امنیتی و نظامی، جمع آوری شواهد را به شدت محدود کرده است.

۴. تمرکز جهانی بر بحران های دیگر: جنگ ها، بحران اقتصادی و تغییرات اقلیمی باعث شده توجه جهانی کمتر به غزه معطوف شود.

نمونه های ملموس از زندگی روزمره در غزه: مدارس و بیمارستان ها با کمبود منابع، محدودیت شدید در فعالیت های اقتصادی، بیکاری گسترده و فقر

حاکم. در مقابل، شهروندان اسرائیلی نزدیک به این مناطق از آزادی حرکت، زیرساخت های پیشرفته و دسترسی کامل به خدمات بهره مند هستند. این تضاد شدید، تصویری واضح از تبعیض سیستماتیک و ویژگی های آپارتاید ارائه می دهد.

تحلیلگران حقوق بین الملل هشدار می دهند که ادامه سکوت جهانی، پیامدهای طولانی مدتی دارد؛ از جمله تضعیف قوانین بین الملل، کاهش اعتبار سازمان ملل و ایجاد الگویی که سایر کشورها را به نادیده گرفتن حقوق بین الملل ترغیب می کند. تنها اقدام مؤثر، تحقیقات مستقل، ارجاع پرونده ها به دادگاه بین المللی کیفری و اعمال فشار دیپلماتیک برای تضمین پاسخگویی است.

در نهایت، وضعیت غزه نشان می دهد که عدالت بین المللی همچنان معلق و شکننده است. اسناد و گزارش های معتبر نشان می دهد که سیاست های اسرائیل ویژگی های آپارتاید را دارند، اما منافع ژئوپلیتیک و سکوت جهانی، مانع تحقق عدالت شده است. آینده عدالت بین الملل و پاسخگویی به جرایم علیه بشریت در گرو تصمیمات امروز جامعه جهانی است.

منبع:

Amnesty International: Israel's Apartheid Against Palestinians

Reuters: US intel found Israeli military lawyers warned about Gaza war crimes

Rome Statute, ICC



سیاست



نقش احزاب از نگاه حاکمیت در ایران: تحلیل نظری و تاریخی



حسین صالحی

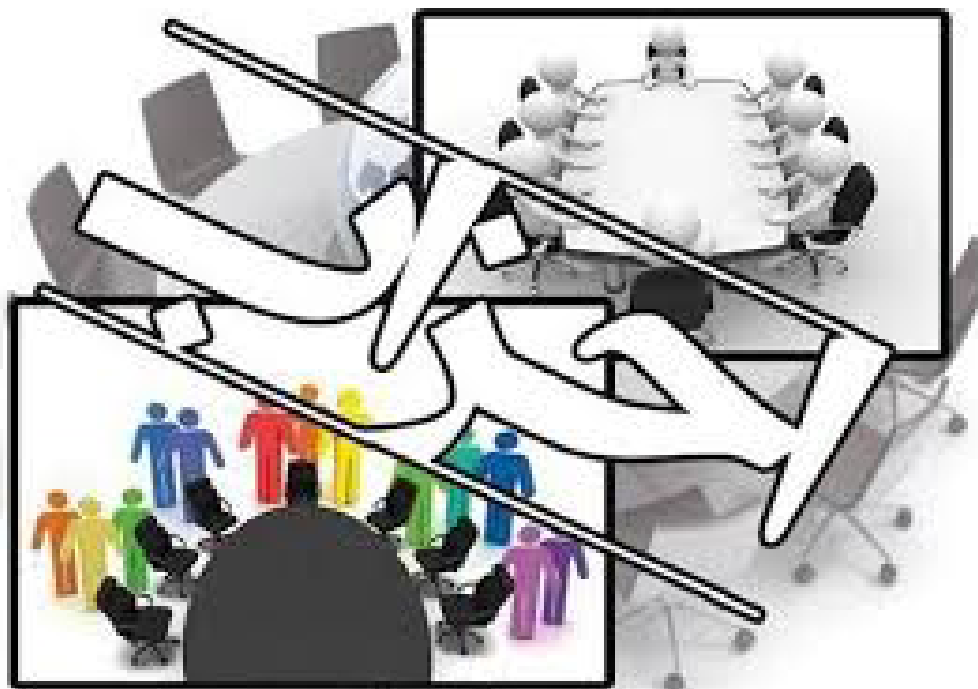
«نوشتار زیر بارویکردی تحلیلی و مبتنی بر پژوهش های تاریخی و نظریه های شناخته شده علوم سیاسی، تلاش دارد جایگاه احزاب را در چارچوب تحولات سیاسی ایران بررسی کند. آنچه در متن آمده، بازتاب دیدگاه ها و تحلیل های مطرح در ادبیات دانشگاهی و تجربه تاریخی کشور است و نه داوری قطعی درباره عملکرد نهادهای رسمی. هدف اصلی، تبیین سازوکارهای شکل گیری احزاب در ایران و بررسی فرصت ها و چالش هایی است که به باور پژوهشگران می تواند بر آینده مشارکت سیاسی و توسعه نهادی اثر بگذارد.»

انتقال مطالبات اجتماعی. نقش سازماندهی قدرت: ثبات بخشی به ساختارهای سیاسی و مدیریت رقابت های سیاسی. با این حال، در کشورهای با تجربه تاریخی محدود از دموکراسی، حاکمیت ها اغلب احزاب را همزمان به عنوان ابزار و تهدید می نگرند.

احزاب سیاسی، به عنوان یکی از نهادهای کلیدی در سازوکارهای دموکراتیک و مشارکت سیاسی، همواره جایگاه ویژه ای در نظام های سیاسی مختلف داشته اند. در ایران، نقش و جایگاه احزاب از منظر حاکمیت، پیچیده و چندلایه بوده است؛ پیچیدگی ای که ریشه در تاریخ، ساختار قدرت، فرهنگ سیاسی و تجارب اجتماعی کشور دارد.

۲. تاریخچه نقش احزاب در ایران تجربه تاریخی ایران نشان می دهد که حاکمیت همواره نگاه محتاطانه ای نسبت به احزاب داشته است: دوره مشروطه: احزاب به شکل محدود برای تقویت نمایندگی مردم شکل گرفتند، اما ناپایداری سیاسی مانع از تثبیت نقش آنها شد.

۱. احزاب و حاکمیت: یک نگاه نظری نظریه سیاسی مدرن احزاب، بر سه نقش اصلی آنها تأکید دارد: نقش آموزشی و فرهنگی: آموزش شهروندان در زمینه مفاهیم سیاسی، حقوق مدنی و روش های مشارکت. نقش نمایندگی: واسطه گری میان مردم و نهادهای قدرت برای



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۱۰۰

۵ آذر سال ۱۴۰۴



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۱۰۰

۵ آذر سال ۱۴۰۴

در نمایندگی واقعی را کاهش می دهد. با این حال، توسعه احزاب مستقل و توانمند می تواند به کاهش بحران های سیاسی و ارتقای مشروعیت حاکمیت کمک کند.

۵. جمع بندی

از منظر حاکمیت ایران، احزاب همزمان فرصت و تهدید هستند. تجربه تاریخی و تحلیل های نظری نشان می دهد که احزاب، در چارچوب کنترل شده و همسو با سیاست های کلان، پذیرفته می شوند، اما برای پایداری سیاسی و تقویت مشارکت اجتماعی، توسعه احزاب مستقل و توانمند اجتناب ناپذیر است. این موضوع هم یک ضرورت نظری برای دموکراسی و هم نیاز عملی برای ثبات و مشروعیت حاکمیت در ایران مدرن است.

منابع و مراجع

Dahl, Robert. Democracy and Its Critics. Yale University Press, ۱۹۸۹.

Warner, Sidney. Political Parties and Democracy. Free Press, ۲۰۰۱.

فیاض، ابراهیم. نهادهای سیاسی و احزاب در ایران معاصر. تهران: نشر نی، ۱۳۹۵.

پرویز پناهی، ناصر. سیاست و احزاب در ایران پس از انقلاب. تهران: سمت، ۱۳۹۰.

Keygan, John; Morgenthau, Hans. Comparative Politics and Controlled Democracies. Oxford University Press, ۲۰۰۵.

دوره پهلوی: احزاب بیشتر به عنوان ابزار مشروعیت بخشی به سلطنت عمل می کردند تا نمایندگی واقعی مردم.

جمهوری اسلامی: احزاب تحت چارچوب های ایدئولوژیک تعریف شده اند؛ حاکمیت آنها را به عنوان ابزار مدیریت رقابت و کانال سازی مطالبات مشروع می پذیرد، ولی احزاب مستقل و منتقد با محدودیت مواجه اند.

۳. دیدگاه های متفکران درباره احزاب در ایران

تحلیل های متفکران نشان می دهد که:

بسیاری از احزاب در ایران نتوانسته اند نقش واسط میان مردم و حاکمیت را به شکل واقعی ایفا کنند و بیشتر به ابزار قدرت تبدیل شده اند.

حاکمیت ایران، احزاب را عمدتاً به عنوان سازوکارهای کنترل سیاسی می بیند تا نهادهای تقویت کننده مشارکت.

تجربه ایران نمونه ای از «دموکراسی کنترل شده» است که در آن احزاب مستقل با محدودیت مواجه اند و تنها احزاب همسو با حاکمیت امکان فعالیت گسترده دارند.

۴. چالش ها و فرصت ها

نگاه حاکمیتی به احزاب در ایران با چالش هایی مواجه است:

فقدان نهادینه شدن حزب مستقل: احزاب اغلب ساختار دائمی و مستحکم ندارند.

محدودیت های قانونی و ایدئولوژیک: فعالیت آزادانه احزاب با محدودیت مواجه است.

ضعف مشارکت اجتماعی: اعتماد پایین مردم به احزاب، توانایی آنها





هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۱۰۰

۵ آذر سال ۱۴۰۴

قدرتمندان جهان از ایران چه می خواهند؟



رضا فضلعلی

(دکترای علوم سیاسی - مسائل ایران)

یادداشت پیش رو، تحلیلی است بر شرایط سیاسی و امنیتی اخیر و بازتاب آن در عرصه داخلی و منطقه ای ایران. نویسنده می کوشد با اتکا به داده های تاریخی، مواضع رسمی کشورها و تحلیل های کارشناسان روابط بین الملل، روندهای جاری را در پرتو منافع ملی بازخوانی کند. هدف از این نوشته نه صدور داوری سیاسی، بلکه تبیین ضرورت بازگشت به عقلانیت، نهادگرایی و گفت و گو به عنوان راه عبور از شرایط پر مخاطره کنونی است. این یادداشت، از منظر تحلیلی، ضمن تأکید بر حق حاکمیت ملی، بر نقش خرد جمعی در تصمیم سازی و پرهیز از واکنش های هیجانی تأکید دارد.

از آخرین بحران ها را که می توان یادآوری کرد واقعه ۷ اکتبر است که پس از دو سال با توافقی نامشخص با تبادل اسیران دو طرف آغاز شد، و یا حمله اسرائیل و ایالات متحده به ایران، که متأسفانه در این برهه زمانی نیز همانند گذشته، نقش تأثیرگذاری از سازمان ملل مشاهده نکردید، و کاملاً تاخت و تاز اراده قدرت های بزرگ و صرفاً نظاره گری و بی عملی مراجع جهانی به ویژه سازمان ملل در تحولات نیز مشهود بود؛ یا اعلام حکم دیوان کیفری بین المللی بر علیه نتانیاهو و چند نفر دیگر در جریان نسل کشی مردم غزه که آنهم عملاً هیچگونه ضمانت اجرایی ندارد.

لذا در چارچوب تحولات و نظم خاورمیانه، بررسی بحران هفتم اکتبر بیان چند نکته ضروری بنظر می رسد، اولاً معتقدم کسانی که حمله به اسرائیل را حتی با وجود برخی موفقیت ها توسط حماس، طراحی و برنامه ریزی کرده بودند، خطای فاحش راهبردی داشتند. زیرا بعد از نزدیک به دو سال از این واقعه آسیب های انسانی، آثار، پیامدها و مشکلاتی که در خاورمیانه را بوجود آورد را مشاهده می کنیم، تا آنجا که خواسته یا ناخواسته ایران نیز درگیر آن شد.

از این جهت شرایط برای ایران در عین حالی که نقاط قوتی خواهد داشت، می تواند نقاط ضعف هم داشته باشد؛ لذا با این تحلیل تا جایگاه ایران در تحولات خاورمیانه به شکلی دلخواه سر و سامان نیابد، شرایط مطلوب برای قدرت های جهانی در منطقه نیز در دسترس نخواهد بود. ظاهراً تا امروز هدف غرب، بریدن ایران به سمت روایت هایی شبیه فروپاشی لیبی یا سوریه نمی باشد؛ زیرا آشفتگی ایران، باعث سرایت ناآرامی و آشوب به اطراف و حتی افزایش قیمت منابع انرژی در جهان را به همراه خواهد داشت. از این رو ترامپ در عین حالی که به ایران حمله نظامی می کند، و هر از چند گاهی تهدید در سخنانش را فراموش نمی کند، در شرم الشیخ مصر دست دوستی را هم بسوی ایران بصورت علنی دراز می کند. آری، این تعارضی آشکار بین منطق روابط بین الملل و منطق حقوق بین الملل در قرن بیست و یکم است؛ لذا معتقدم این مسیری را که در ارتباط با ایران شروع شده، مگر در موارد خاص پیش بینی نشده قابل توقف یا تغییر نیست و کاری هم از دست سازمان های بین المللی و قدرت های درجه دوم نیز در عمل بر نمی آید. براین اساس و با وجود اختلافات فراوان اروپا با ایالات متحده که البته در مورد ایران هیچ

اصلی ترین علت ایجاد سازمان ملل پیگیری مسائل حقوق بشری بود، جنگ جهانی دوم و مسائل مربوط به نسل کشی سبب شد تا با یک اجماع جهانی ارگان جدیدی که مانع وقوع تراژدی های مشابه در آینده شود، به وجود آید. منطقی بنیادین که صلح و امنیت بین المللی را در آن مقطع زمانی در عین حالی که مورد توجه جامعه بشری قرار داد، نگرش قدرت های بزرگ را نیز در جهت تغییر شکل ساختار بندی فضای آینده پس از جنگ را برای گرداندگی مسالمت آمیز تحولات نظام بین الملل، بعنوان مرجعی جهانی با ساز و کارهایی در اختیار شورای امنیت قرار داد، راهم جلب کرد (فصل ۶ و ۷ منشور ملل متحد). متأسفانه این ساز و کار در طول زمان در بحران های گوناگون نشان داد که کارایی لازم را در عمل نداشته است. نمونه های بارز شکست آن در زمان جنگ سرد، پس از پایان جنگ سرد و حتی در مواجهه با فضای بعد از حملات ۱۱ سپتامبر کاملاً نمایان است.

لذا بدلیل ساختار و شکل حق رأی کشورهای پیروز و قدرتمند جنگ در این سازمان تعارضی خواسته و یا ناخواسته بین مشروعیت و قانون با واقعیت موجود در تعاملات بین المللی بوجود آمد که مدیریت پایدار در نظم و امنیت جهانی را زیر سوال برد. بگونه ای که اگر نظم بین الملل در جهت منافع دلخواه قدرت های بزرگ و صاحب حق رای (وتو) نباشد با کار شکنی های گوناگون غیر عادلانه، حتی اگر در بین افکار عمومی ملت ها مشروعیت نداشته باشد، بدون آنکه دیگر کشورها نیز در عمل تأثیر خاصی داشته باشند، یا تأیید نمی شود و یا پایدار نخواهد بود.

بسیاری از اندیشمندان بر این باور بودند که پدیده جهانی شدن، می تواند در کاهش این بحران ها کمک کند، لیکن نه تنها نتوانست، بلکه بر بسیاری از دغدغه ها نیز افزود. انسان عصر حاضر بدنبال چگونگی مسیر دیگری برای تغییر در برزخ وضع موجود است، همانگونه که جیمز روز نامعتقد بود، نظمی در درون بی نظمی وجود دارد که دلایلش رفتار و تصمیم های بازیگران است، بازیگرانی که دیگران را نه می بینند و نه می شنوند، آشوبی که درونش نظمی حاکم است. شوربختانه هنوز هیچ قاعده و عملکردی توانایی عبور از این آشوب و بحران جهانی را حداقل در ۲۵ سال گذشته، نداشته است (دوران جنگ سرد و پس از آن، ستیزه جویی ۱۱ سپتامبر، بحران های افغانستان، سوریه، غزه، بحران اول و دوم اوکراین، چالش هسته ای ایران، و...)، که شاید

چینی‌ها هم به ادامه فضای موجود علاقه‌مند هستند، از این‌رو بسیاری از تحلیلگران معتقدند که رابطه ترامپ با پوتین مثبت است، و چین نیز کمتر از آمریکا بدنبال یارگیری در ادامه این روند نمی‌باشد. لذا هیچ چانه زنی از طرف ایران و عقب نشینی از سوی غرب خصوصاً ایالات متحده، نسبت به سال‌های گذشته قابل قبول نیست.

شاید برخی حتی معتقد باشند که کشورهای منطقه به چه صورت فکر می‌کنند، لیکن فراموش نکنیم، اغلب کشورها بدنبال افزایش نفوذ و قدرت و بهره‌برداری از دیگر کشورها هستند و در این مسیر معمولاً هیچ اصولی را نیز رعایت نمی‌کنند؛ به همین علت آنچه در رسانه‌ها و سخنرانی‌ها از طرف دولتمردان عنوان می‌شود با آنچه که در اتاق‌های در بسته سیاستمداران تصمیم گرفته می‌شود بسیار تفاوت دارد. همانگونه که در سازمان ملل در رابطه با موضوع مکانیزم ماشه (اسنپ‌بک) با اینکه بسیاری از رایزنی‌ها قبل از جلسه انجام شده بود، نیز مشاهده کردیم از ۱۵ رای فقط ۴ کشور، موافق لغو تحریم‌ها به نفع ایران بودند. از این‌رو، با چنین تفکری در حاشیه آخرین اجلاس سازمان ملل بنابر گفته عراقچی، نماینده ترامپ (ویتکاف) جهت مذاکره حتی مستقیم حاضر نشد، زیرا ایران شرط گفتگو را فقط در مورد حل مسائل هسته‌ای و تحریم‌ها قرار داده بود. بنابر شواهد موجود غرب دیگر منحصر از مذاکره در مورد مسائل هسته‌ای رانمی‌پذیرد، بحث‌انان بر سر قدرت دوربرد موشک‌ها یا کنترل چالش نیروهای نیابتی و شبیه به آن است که بدون هیچ اغماض و گذشتی مطرح می‌کنند. در نهایت تاسف، برای ایران راهی نگذاشته‌اند به جز این که باید به پیوند الگوی مطلوب نظم قدرت‌های جهانی بپیوندند.

بدون تردید تمامی مسائل مطرح شده، حدس و گمان نویسنده می‌باشد، زیرا در جهان سیاست و روابط جهانی شاید با ایجاد یک اتفاق یا حادثه و طوفانی در گوشه‌ای از زمین تمامی نظریه‌های فوق دگرگون شوند. به باور من مشکل اساسی ایران با موجودیت اسرائیل فراتر از درگیری سرزمینی با فلسطینی‌هاست، زیرا بحث اصلی ایدئولوژیک است. شاهد این مدعی نیز دولت خودگردان و همچنین حماسی که می‌جنگیدند، در حال حاضر به کوتاه آمدن و توافق راضی هستند. اما هنوز در جمهوری اسلامی ایران در رابطه با نابودی اسرائیل صحبت و شعارهای زیادی شنیده می‌شود، شاید از

اختلافی نیز با هم ندارند، یکی از شروط قدرت‌های اروپایی برای تأخیر در آغاز اسنپ‌بک، توافق و مذاکره مستقیم با ایالات متحده بود!

بی‌پرده بگوییم: جمهوری اسلامی ابتدا بایستی تکلیف خودش را مطابق با خواست نظم قدرت‌های بزرگ جهانی، هر چند که عادل هم نیستند، را مشخص کند؛ زیرا تا این موضوع در جهت میل قدرت‌های بزرگ اتفاق نیفتد، متأسفانه این درگیری‌ها ادامه خواهد داشت و نباید آمیدی هم به ساز و کارهای بین‌المللی داشت. ما در ایران با تمامی جایگاه و عظمت تا ابد نمی‌توانیم با شعارهایی بر علیه دیگران در تعاملات جهانی حضوری موثر داشته باشیم و چالش‌های موجود را حل کنیم، آنچنان که با عربستان سعودی و مصر بسیاری از مشکلات، حداقل در ظاهر حل شد. کشوری که جامعه‌اش فقر، عدم امنیت، تفرقه و خصومت در درونش آشکار باشد، در روابط خارجی نمی‌تواند در مواضع ملی خود با اقتدار پافشاری کند، زیرا اقتدار در جهت منافع همگانی از داخل سرزمین به خارج از آن با مشروعیت حاکمیت می‌تواند، حرفی برای گفتن داشته باشد.

معتقد مهم‌ترین ویژگی شرایط و فضای روابط بین‌الملل در حال حاضر و حتی در چند سال آینده به نوعی درگیری پنهان و البته بدون دشمنی علنی را خواهیم داشت، بگونه‌ای که تعداد فراوانی از کنشگران و بازیگران غیردولتی، شرکت‌های بین‌المللی، رسانه‌های تأثیرگذار و... فعالیتشان از امروز هم بیشتر خواهد بود، لیکن شکل و دامنه فعالیت آنها شدیداً در چارچوب و قالب مورد نظر قدرت‌های بزرگ بویژه چین و ایالات متحده کنترل شده، خواهد بود، نه آنچه که هدف مورد نظر خودشان است!

از نگاه نویسنده، نظام حاکم بر ایالات متحده بدنبال تجهیز و ساختن بلوکی پایدار است که تحت اختیار و اراده در حوزه نفوذ خودشان باشد، تلاش می‌کنند. که احتمالاً روسیه و ایران نیز در چارچوب این سیاست بایستی قرار داشته باشند؛ براین مبنی بنظر می‌رسد فردی همچون ترامپ و امثال او نظریه‌پردازان این ماجرا نیستند، آنان فقط نقش اجرایی شدن این تفکر را به عهده دارند؛ زیرا هدفشان تثبیت و یا افزایش نقش اساسی خود در نظم آینده جهان است. به همین سبب در اوج درگیری و جنگ اروپا با روسیه و حمله نظامی به ایران و انواع تحریم‌ها، ترامپ از صلح و روابط حسنه در آینده با این دو کشور در مصاحبه‌ها و سخنرانی‌هایش می‌گوید؛ بدون تردید



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۱۰۰

۵ آذر سال ۱۴۰۴





هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۱۰۰

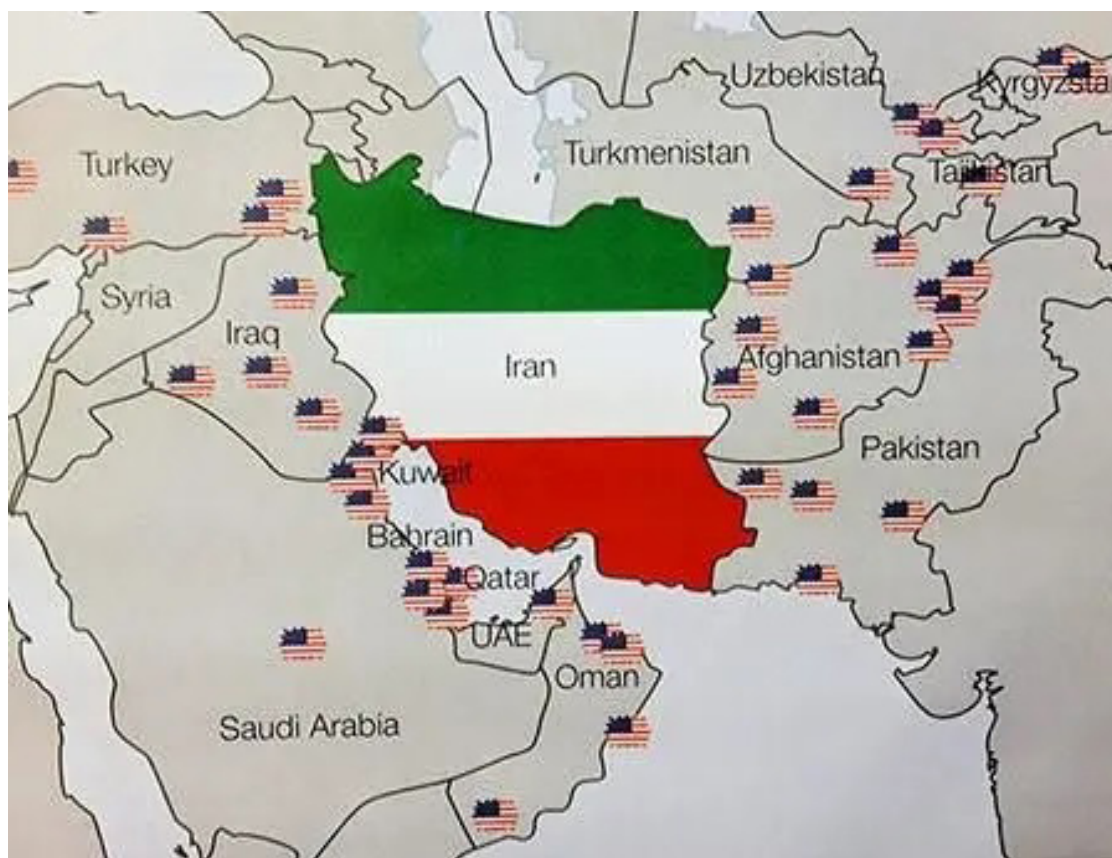
۵ آذر سال ۱۴۰۴

نظر ما مطرح کردن این چنین مسائلی بیشتر جنگ رسانه‌ای یا خوراک تبلیغاتی باشد؛ لیکن اغلب کشورها از طرح چنین مسائلی، برداشتی جدی دارند. بر همین اساس شرایط برزخی، نه صلح و نه جنگ را در میانه تحریم‌های سازمان ملل بر ایران تحمیل کرده‌اند.

باور دارم مانند گذشته، دیگر زمان به نفع ما نمی‌باشد؛ همانگونه که مذاکرات در گذشته بهتر از امروز بوده؛ روزها و ماه‌های آینده نیز برای مذاکره مناسب‌تر از امروز نخواهد بود. آری، صلحی که حماس با اسرائیل کرد، یا مذاکراتی که ترامپ در این روزها با پوتین در مورد جنگ با اوکراین می‌کند، هیچکدام شکست یک طرف به حساب نمی‌آید؛ زیرا ترک محاصره، می‌تواند یک موفقیت دو جانبه باشد. شک ندارم آنان بدنبال تضعیف ایران برای ترک محاصره‌ای اجباری بر مبنی همان ساختاری که در ابتدای بحث مطرح شد، می‌باشند، بدنبال ایرانی هستند که در شرایط انزوا باشد، با همسایگانش نتواند داد و ستد نماید. به همین دلایل ایران باید در مذاکره مستقیم یا غیر مستقیم بر سر هر موضوعی به جای دشمنی علنی با کشور و یا گروهی خاص، صرفاً به منافع خود فکر کند، همانگونه که بسیاری از همسایه‌های ما با وجود روابط پنهان با اسرائیل، در ظاهر جنایات آنان را محکوم می‌کنند و مردم کشورهايشان، (حتی در غرب) به دلائل گوناگون بر علیه اسرائیل نیز تظاهرات می‌کنند و هیچ سازمان بین‌المللی به آنها ایرادی هم نمی‌گیرد. بر این اساس به عنوان دانش آموز علوم سیاسی بر این باورم که بایستی همیشه در وسط تمامی مذاکرات با حفظ احترام به اصول و ارزشها حضور داشته باشیم، تا در گوشه رینگ خواسته یا ناخواسته قرار نگیریم؛ در محافل گوناگون بین‌المللی با تعامل، بدون تعصب، در کمال اقتدار برای رفع تحریم‌هایی که باعث عدم توسعه و نارضایتی مردم شده است را با دادن

و گرفتن امتیاز بدون هیچ تردیدی شرکت کنیم، تا در جنگ‌های احتمالی مجبور به دادن امتیاز نشویم، و کشور را از این وضع موجود که شاید تفکر کارزار نظامی نیز در بین دوست و دشمن نیز باشد را از خود دور نماییم؛ بایستی به این اصل معتقد باشیم که بدون تعامل و مذاکره برای درگیری‌ها پایانی متصور نمی‌باشد. لذا اگر بپذیریم برخی از تصمیم‌ها و سیاست‌های گذشته اشتباه بوده اشکالی نخواهد داشت، زیرا فهم این موضوع، خودش گامی منطقی و روبه جلو به حساب می‌آید. پس می‌توانیم با احترام و حفظ هویت‌ها در جهت منافع ملی با اتکا به ملت و اقتدار در جهت رفاه و امید به آینده، مذاکره‌ای عقلانی را با اعتماد به نفس شروع کنیم زیرا جهان امروز جهان وابستگی‌های متقابل است.

بر این اساس تحولات خاورمیانه، وابسته به نظم جهانی است که در حال حاضر از نظم درون منطقه‌ای شکل می‌گیرد و تا زمانی که جغرافیایی همچون خاورمیانه در شرایط باثباتی قرار نگیرد، برنامه‌ریزی و طراحی برای حاکمیت نظم کلی دلخواه وجود نخواهد داشت. و با وجود اینکه ایران به بلندای تاریخ، گذشته‌ای نیک با منابع فراوان انسانی و غیر انسانی با ارزشی داشته و دارد. اما در ابتدا بایستی جایگاه امروز خود را در جهان بصورت واقعی بدانند و مانند بسیاری از کشورها تلاش کنند، از هیاهو و غوغا سالاری منفی رسانه‌ای خود را دور نگه دارد؛ زیرا با هر سخنرانی و مصاحبه‌ای در هر سطح و اندازه‌ای، موضوع توسط دشمنان خیلی زود بدلخواه خودشان، منعکس و نتیجه‌گیری می‌شود. آنگاه در تعاملی چند سویه، بدنبال اهداف کوتاه مدت و بلندمدت با حفظ اصول خویش، بتدریج با برنامه‌ریزی‌های عقلانی در جهت پیشرفتی که منافع ملی و جمعی در نظر گرفته شده باشد، حرکت نماید.



اقتصاد



اساس این بانک رفاقتی بود



علی مجد

فروپاشی ناگهانی بانک آینده، فقط پایان یک مؤسسه مالی پر حاشیه نبود؛ نشانه‌ای روشن از شکاف‌های عمیق در سازوکار نظارتی و رابطه پیچیده قدرت و سرمایه در ایران بود. انباشتی از ناترازی، تصمیم‌های پرخطر، دارایی‌های غیرشفاف و تأخیرهای طولانی در مداخله نهادهای مسئول، اکنون پرسش‌های جدی در افکار عمومی ایجاد کرده است: چگونه یک بانک در مقیاس ملی، با چنین حجم از مشکلات ساختاری، توانست سال‌ها به فعالیت ادامه دهد؟ چه سازوکارهایی مانع از نظارت مؤثر شدند؟ و مهم‌تر از همه، پیامد این گزیر بانکی برای ثبات مالی کشور چه خواهد بود؟ یادداشت پیش‌رو، با نگاهی تحلیلی و متکی بر داده‌های رسمی، تلاش می‌کند ابعاد این رخداد و پیام‌های آن برای نظام بانکی و اقتصاد سیاسی ایران را روشن‌تر سازد.

این منظر، وضعیت بحرانی کنونی نتیجه تعامل معیوب میان قدرت سیاسی، سرمایه مالی و نهادهای نظارتی و نمادی از فساد سیستماتیک است. جامعه خواستار شفافیت در زمینه نحوه فعالیت این بانک، حجم تخلفات، شناسایی ذی‌نفعان درون ساختاری، دلایل ناتوانی بانک مرکزی در برخورد با این نهاد مالی و در نهایت، شفافیت در فرآیند گزیر بانکی است. این مطالبه عمومی، نه تنها برای بازسازی اعتماد، بلکه برای جلوگیری از تکرار چنین بحران‌هایی در آینده ضروری است.

نکته پایانی آن که اعمال فرآیند گزیر بانکی، به معنای بروز بحران در نظام بانکی و ناتوانی نهادهای نظارتی در پیشگیری و مدیریت بحران است. عدم مداخله مؤثر بانک مرکزی و سایر نهادهای نظارتی در مراحل اولیه بحران، بیانگر خلأهای نهادی در تشخیص، پیشگیری و مداخله به موقع است. بحران نظام بانکی کشور، موجب تضعیف بیشتر اعتماد عمومی نیز شده است.

از این رو، بازنگری و بازسازی ساختار نظارتی و مقرراتی نظام بانکی کشور، تقویت استقلال و اقتدار نهادهای نظارتی، به ویژه بانک مرکزی، برای مداخله مؤثر در بحران‌های بانکی ضروری است.

شفاف‌سازی و افشای ساختار مالکیتی بانک‌ها و روابط سیاسی-مالی پشت پرده، برای جلوگیری از تعارض منافع و فساد سیستماتیک، باید در دستور کار قرار گیرد. پیشنهاد پایانی آنکه، تدوین چارچوب شفاف، قابل پیش‌بینی و مبتنی بر قانون برای اعمال گزیر بانکی، با هدف حفظ ثبات مالی و اعتماد عمومی، ضروری است.



بانک آینده
AYANDEH BANK

بانک آینده از روز شنبه سوم آبان ماه منحل اعلام شد. ناترازی مزمن این بانک به گونه‌ای بود که دیگر توان پاسخ‌گویی به بدهی‌های خود را نداشت. برداشت‌های بی‌رویه از منابع بانکی که منجر به رشد شدید نقدینگی و تورم شد، نگاهداری بدون بازدهی مناسب، دارایی‌های غیرمولد و در نهایت، عدم امکان اصلاح‌پذیری به دلیل عمق بحران، از جمله عوامل اصلی انحلال این بانک به‌شمار می‌روند. بانک آینده در سال ۱۳۹۱ از ادغام بانک تات (به دلیل تخلفات گسترده)، مؤسسه صالحین و مؤسسه آتی شکل گرفت. گستره تخلفات این بانک در سال‌هایتمادی مشهود بوده و بدهی آن به بانک مرکزی روندی صعودی داشته است. در سال ۱۴۰۱، زیان انباشته بانک آینده به ۱۴۰ همت رسید و ۲۵ درصد از رشد پایه پولی کشور ناشی از اضافه‌برداشت این بانک از منابع بانک مرکزی بوده است (ایسنا، ۲۶ تیر ۱۴۰۲). مهم‌ترین عامل ناترازی این بانک، پرداخت سپرده‌ها به افراد مرتبط با بانک و شرکت‌های زیرمجموعه آن بوده است. طبق گزارش‌های رسمی، تا پیش از اعلام انحلال، با زیان انباشته‌ای حدود ۵۵۰ همت، بانک آینده به تنهایی ۵۰ درصد از مجموع زیان انباشته شبکه بانکی کشور را به خود اختصاص داده بود. همچنین با حدود ۳۵۰ همت اضافه‌برداشت، ۳۰ درصد از کل اضافه‌برداشت بانک‌ها را شامل می‌شد و با نسبت کفایت سرمایه منفی ۶۰۰ درصد، به عنوان یک بحران تمام‌عیار تلقی می‌شد. این سطح از ناترازی و گستره تخلفات این بانک نشان‌دهنده سوءمدیریت، فقدان شفافیت، ضعف نهادهای نظارتی و تضاد منافع آشکار است. با وجود این، رسیدگی به وضعیت بحرانی این بانک می‌بایست بسیار زودتر صورت می‌گرفت. ملاحظات سیاسی، حقوقی، نگرانی از بی‌ثباتی مالی و آسیب به اعتماد عمومی و سرمایه اجتماعی، از جمله دلایل تعلل در برخورد با این بانک عنوان شده‌اند. بانک آینده به بانک ملی واگذار شده است. هر چند اعلام شده که زیان‌های آن به ترازنامه بانک ملی منتقل نخواهد شد، اما نحوه تسویه بدهی‌ها همچنان شفاف نیست. میزان ارزش مالی دارایی‌های بانک آینده و قابلیت نقدشوندگی آن‌ها نیز در حاله‌ای از ابهام قرار دارد. این ابهام، نگرانی‌هایی را در باره انتقال ریسک به نظام بانکی و آثار بلندمدت آن بر ثبات مالی کشور ایجاد کرده است. از منظر اقتصاد سیاسی، پرسش‌های متعددی قابل طرح است: چرا سهام‌داران بانک متخلف تات امکان ادامه فعالیت در قالب بانک آینده را یافتند؟ چرا با وجود تخلفات گسترده و مستمر، دولت‌های پیشین نتوانستند یا نخواستند با این بانک برخورد کنند؟ بانک آینده و پروژه ایران مال نمادهایی از سرمایه‌داری رانتی، رفاقتی و پروژه‌های غیرشفاف و فاقد بازدهی اقتصادی هستند. بدون تردید، این حجم از تخلف و تداوم آن، و مقاومت در برابر نظارت بانک مرکزی، بدون پشتوانه سیاسی و نهادی ممکن نبوده است. از جمله علل تأخیر در اعلام انحلال نیز می‌توان به تعارض منافع اشاره کرد. از



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۱۰۰

۵ آذر سال ۱۴۰۴

خطر حذف ارز ترجیحی و تبعات آن بر اقتصاد کشور



علی مجدم

در حالی که هنوز آثار تورمی حذف ارز ۴۲۰۰ تومانی در زندگی روزمره مردم فروکش نکرده، دوباره نشانه‌ها از احتمال کنار گذاشتن ارز ترجیحی جدید حکایت دارد؛ اقدامی که می‌تواند موج دیگری از افزایش قیمت کالاهای اساسی، فشار بر معیشت خانوار و بی‌ثباتی بازار را رقم بزند. هشدارهای پی‌درپی نمایندگان و کارشناسان اقتصادی نشان می‌دهد تصمیمی که در ظاهر یک اصلاح ارزی است، در عمل می‌تواند به یکی از حساس‌ترین نقاط آسیب‌پذیری اقتصاد ایران تبدیل شود؛ جایی که کوچک‌ترین خطا، به سرعت به سفره مردم و امنیت اجتماعی سرریز خواهد شد.



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۱۰۰

۵ آذر سال ۱۴۰۴

مجلس نگران آنست که در صورت عدم مدیریت صحیح این تغییرات، فشار بیشتری بر روی قشرهای آسیب‌پذیر جامعه وارد شود. آن‌ها همچنین به تجربه‌های گذشته اشاره کردند که نشان می‌دهد حذف ناگهانی یارانه‌ها و تغییرات بزرگ در سیاست‌های ارزی می‌تواند پیامدهای غیرقابل جبرانی داشته باشد. لذا، لازم است که دولت در اتخاذ چنین تصمیماتی با دقت بیشتری عمل کند و نظرات کارشناسان و نمایندگان مردم را مدنظر قرار دهد.

از سوی دیگر، کارشناسان اقتصادی نیز نسبت به تبعات حذف ارز ترجیحی ابراز نگرانی کرده‌اند. آن‌ها معتقدند که عدم وجود یک برنامه جایگزین مناسب می‌تواند منجر به بی‌ثباتی اقتصادی و کاهش سرمایه‌گذاری‌های خارجی شود. همچنین، این اقدام ممکن است به افزایش قیمت‌ها در بازارهای دیگر و ایجاد نارضایتی عمومی منجر شود. در شرایط کنونی که کشور با مشکلات اقتصادی متعددی روبه‌رو است، باید توجه داشت که هر گونه تغییر در سیاست‌های ارزی باید با تدبیر و برنامه‌ریزی دقیق همراه باشد. کارشناسان پیشنهاد می‌دهند که دولت باید ابتدا نیازهای اساسی را برای حمایت از اقشار آسیب‌پذیر را فراهم کند تا در صورت حذف یارانه‌ها، فشار کمتری بر روی این قشرها وارد نشود.

در نهایت، به نظر می‌رسد که تصمیمات اقتصادی باید با شفافیت و مشورت با تمامی ذی‌نفعان اتخاذ شود. بررسی دقیق تبعات اقتصادی هر گونه تغییر در سیاست‌های ارزی و یارانه‌ای ضروری است تا از بروز بحران‌های جدید جلوگیری شود. همچنین، باید توجه داشت که هر گونه اقدام باید در راستای حفظ معیشت مردم و حمایت از قشرهای آسیب‌پذیر باشد. در غیر این صورت، ممکن است کشور با چالش‌های جدی‌تری روبه‌رو شود که نه تنها اقتصاد بلکه امنیت اجتماعی را نیز تهدید کند. بنابراین، مسئولین باید با دقت بیشتری به این موضوعات پرداخته و راهکارهای مناسبی برای مدیریت تبعات احتمالی ارائه دهند.

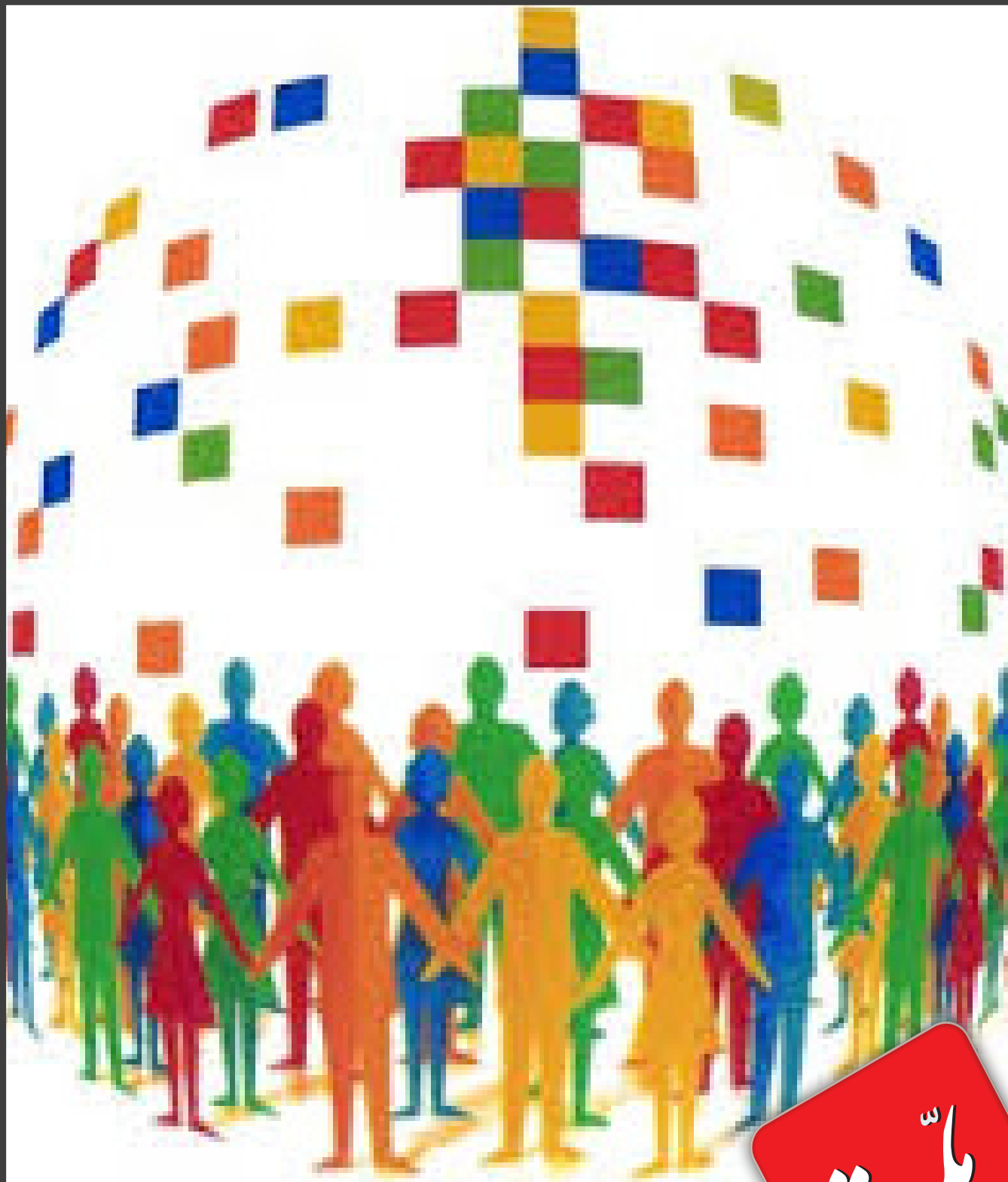
در روزهای اخیر، بحث پیرامون حذف ارز ترجیحی به‌ویژه ارز ۴۲۰۰ تومانی و همچنین ارز ۲۸ هزار و ۵۰۰ تومانی به موضوعی داغ در محافل اقتصادی و سیاسی تبدیل شده است. حسین صمصامی، عضو کمیسیون اقتصادی مجلس، در جلسه‌ای علنی به این موضوع پرداخته و هشدارهایی جدی درباره تبعات اقتصادی این اقدام ارائه داده است. او تأکید کرد که تجربه تلخ حذف ارز ۴۲۰۰ تومانی در سال ۱۴۰۱ منجر به بروز یک موج تورمی شدید در جامعه شد که عواقب آن به‌وضوح در زندگی مردم قابل مشاهده بود. افزایش قیمت کالاهای اساسی و کاهش قدرت خرید مردم از جمله نتایج این تصمیم بود که بسیاری از خانواده‌ها را به زیر خط فقر کشاند. این وضعیت نشان‌دهنده اهمیت تصمیمات اقتصادی و تأثیر آن‌ها بر معیشت مردم است و نیازمند توجه ویژه مسئولین می‌باشد.

صمصامی در ادامه به مصوبه‌ای اشاره کرد که به هیأت وزیران ارائه شده و شامل محاسبه مابه‌تفاوت نرخ ارز ترجیحی با نرخ ارز توافقی می‌شود. این اقدام به معنای حذف ارز ۲۸۵۰۰ تومانی و ایجاد بحرانی جدید در بازار کالاهای اساسی خواهد بود. وی هشدار داد که این تصمیم می‌تواند عواقب وخیمی برای زندگی روزمره مردم داشته باشد و بر روی قیمت‌های کالاهای اساسی و دارو تأثیر منفی بگذارد. به‌ویژه در شرایطی که بسیاری از خانوارها به شدت تحت فشار اقتصادی هستند، این تصمیم می‌تواند به افزایش بیکاری، کاهش تولید و حتی نارضایتی اجتماعی منجر شود. بنابراین، باید به دقت بررسی شود که آیا دولت توانایی مدیریت تبعات این تصمیم را دارد یا خیر.

درواقع، به این اظهارات، ۵ نماینده مجلس در نامه‌ای به رئیس‌جمهور نسبت به خطرات ناشی از حذف ارز ترجیحی هشدار دادند. آن‌ها تأکید کردند که این اقدام می‌تواند به افزایش شدید تورم و تشدید بحران اقتصادی منجر شود. نمایندگان



اجتماعی



از دواج کودک، فقر و چرخه آسیب اجتماعی



طیبه معصومی

وقتی دختر بچه‌ای در سیزده سالگی از پشت نیمکت مدرسه جدای می‌شود و در نقش همسر و مادر فرو می‌رود، چیزی فراتر از یک سرنوشت فردی تغییر می‌کند؛ چرخه‌ای از فقر، نابرابری و بی‌پناهی آغاز می‌شود که نسل‌ها را در خود می‌بلعد. روایت زنی جوان که با سه کودک نحیف و آینده‌ای مبهم به خیریه پناه آورده، تنها یک نمونه از واقعیتی گسترده‌تر است؛ واقعیتی که در آمارهای ترک تحصیل، ازدواج زودهنگام و محرومیت دختران خود را تکرار می‌کند. این یادداشت تلاش می‌کند نشان دهد چگونه ترکیب فقر، فرهنگ، خلأهای حمایتی و قوانین ناکافی، از دواج کودک را از یک «تفاهات» به یک «ساختار بازتولیدکننده آسیب» تبدیل کرده است.

مانند سیستان و بلوچستان، خراسان رضوی، خوزستان و آذربایجان شرقی بیش از دو برابر میانگین ملی است.

کودک همسری موجب قطع تحصیل، بارداری زودرس، خشونت خانگی و فقر پایدار می‌شود. این چرخه در نسل بعد بابتی سواد و سوء تغذیه کودکان تکرار شده و شکاف اجتماعی را عمیق‌تر می‌کند. در بسیاری از این ازدواج‌ها، دختران نه تنها از تحصیل و دوران کودکی باز می‌مانند، بلکه در جایگاه همسر دوم یا سوم مردانی قرار می‌گیرند که زندگی ناپایدار یا سابقه کیفری دارند. چنین بیوندهایی نه بر پایه انتخاب آزاد، بلکه زیر فشار فقر، اجبار خانوادگی و نگاه کالایی به زن شکل می‌گیرد. دختر برای گریز از فقر خانواده، به فقر عاطفی و خشونت در زندگی زناشویی کشانده می‌شود و نقش «زن چندم بودن» هیچ فرصتی برای رشد و احترام باقی نمی‌گذارد.

تجربه کشورهای دیگر نشان داده که مهار این پدیده امکان پذیر است. در هند و بنگلادش با ممنوعیت ازدواج زیر ۱۸ سال، بوریس تحصیلی برای دختران و مدارس شبانه‌روزی رایگان، میزان ازدواج دختران نوجوان بیش از ۴۰ درصد کاهش یافت. در اتیوپی، آگاهی بخشی، و مشارکت روحانیون و رهبران محلی باعث کاهش حدود ۳۰ درصدی موارد شد. اما کشورهایی مانند افغانستان و سودان جنوبی، به دلیل جنگ و ضعف قوانین حمایتی، همچنان با آمارهای بالا روبرو هستند.

برای مهار این چرخه، لازم است قانون منع ازدواج زیر سن قانونی با ضمانت اجرایی سخت‌اعمال شود، حمایت مالی از زنان بی سرپرست و تغذیه رایگان کودکان بازمانده به مدرسه برگردند و شبکه‌های مشاوره و حمایت روانی برای مادران در معرض آسیب فعال شود.

امروز هم در دفتر خیریه، زنی ۲۳ ساله وارد شد؛ دست در دست سه کودک نحیف و زولیده. بزرگترین نشان هشت ساله بود؛ کودکی که پارسال حتی اجازه نشست پشت نیمکت کلاس را نیافت. دومی چهار ساله و کوچک‌ترین، تنها هجده ماه از زندگی دیده است. مادر، بالحن آرام اما چشمانی بی‌جان، روایت می‌کرد: «سیزده سالم بود که ناپدری ام که روحانی بود، من را به عقد مردی در آورد. از خرم‌آباد به همدان آمدم. حالا شوهرم در زندان است و من مانده‌ام و این سه بچه و اجاره خانه‌ای که هر ماه سنگین‌تر می‌شود. مادر می‌گفت: «صاحب‌خانه چندبار خواسته آنها را بیرون کند، اما چون سه بچه کوچک دارد دلش نیامده و در عوض اجاره را بالا برده است. تمام این صحنه، روایتی از پیوند ازدواج کودکان با فقر و بی‌پناهی زنان بود.

از دواج‌های زودهنگام، نبود حمایت اقتصادی از زنان، فشار فرهنگی، حذف مدرسه از زندگی کودکان و اجاره‌های سنگین از عوامل اصلی تداوم فقر هستند. بر اساس آمار وزارت آموزش و پرورش، در سال تحصیلی ۱۴۰۲-۱۴۰۳ نرخ ترک تحصیل در کل مقاطع ۱.۶۵ درصد (معادل ۲۴۷ هزار و ۲۴۲ نفر) و تعداد بازماندگان از تحصیل ۹۲۸ هزار و ۷۲۹ نفر بوده است. پژوهش‌ها نشان می‌دهد از هر ده دختر بازمانده از تحصیل، چهار نفر تابش از ۱۸ سالگی ازدواج می‌کنند؛ بسیاری از آنها همسر دوم، یا سوم یا چهارم مردان می‌شوند.

طبق داده‌های سازمان ثبت احوال کشور، در سال ۱۳۹۹ بیش از ۳۱ هزار ازدواج دختران زیر ۱۵ سال ثبت شد. این آمار مقدماتی در سال ۱۴۰۲ نیز نشان می‌دهد بیش از ۹۲ هزار ازدواج دختران زیر ۱۸ سال در کشور ثبت شده است؛ یعنی حدود یکی از هر ده ازدواج رسمی. این نسبت در استان‌هایی



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۱۰۰

۵ آذر سال ۱۴۰۴



اهمیت قشر کارگر در توسعه اقتصادی و اجتماعی جوامع



حسن غلامی

قشر کارگر به عنوان بزرگ ترین نیروی فعال در چرخه تولید، نقش بی بدیلی در پیشبرد اهداف اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشورها دارد. توسعه صرفاً با سرمایه، فناوری یا برنامه ریزی ساختاری محقق نمی شود؛ بلکه متکی به نیروی انسانی آگاه، توانمند و برخوردار از امنیت شغلی است. این مقاله با نگاهی جامع نگر، جایگاه کارگران را در روند توسعه بررسی کرده و نشان می دهد که بی توجهی به این قشر می تواند پیامدهایی همچون کاهش بهره وری، نابرابری اجتماعی و رکود اقتصادی به همراه داشته باشد.

مقدمه

کارگران در هر جامعه نمایندگان پر شمار تلاش، تجربه و مهارت اند. از ساخت جاده ها و کارخانه ها گرفته تا ارائه خدمات شهری، تولید محصولات صنعتی، کشاورزی و حتی خدمات دانش بنیان، حضور نیروی کار شرط نخست شکل گیری فعالیت اقتصادی است. تاریخ توسعه صنعتی جهان نشان می دهد کشورهای توانسته اند به سطوح بالای توسعه دست یابند که برای نیروی کار خود ارزش قائل شده، امنیت شغلی ایجاد کرده و نظام حمایت اجتماعی کارآمدی طراحی کرده اند.

بنابراین بررسی نقش کارگران، در حقیقت بررسی بنیان های اصلی توسعه است.

۱. نقش کارگران در توسعه اقتصادی

۱-۱. موتور محرکه تولید

هیچ دستگاه، خط تولید یا سرمایه گذاری بدون دخالت انسان ثمربخش نیست. کارگران، حلقه ی واسط بین سرمایه و خروجی اقتصادی اند؛ عاملی که ارزش واقعی تولید را خلق می کند. در صنایع سنگین، معادن، ساخت و ساز و واحدهای خدماتی، کیفیت کار مستقیم به کیفیت نیروی کار بستگی دارد. وجود نیروی کار آموزش دیده، منظم و توانمند، ارزش افزوده را افزایش داده و هزینه های تولید را کاهش می دهد.

۱-۲. نقش کارگران در توسعه صنعتی و تکنولوژیک

توسعه صنعتی نه با واردات تکنولوژی، بلکه با «بومی سازی آن» محقق می شود؛ فرآیندی که تنها با حضور کارگران متخصص و توانمند امکان پذیر است.

کشورهایی که در صنعت پیشرفت کرده اند - مانند آلمان، ژاپن یا کره جنوبی - نیروی کار خود را به عنوان شریک توسعه دیده اند. این مشارکت موجب:

- ارتقای مهارت های فنی
- تولید محصولات با کیفیت
- جذب سرمایه گذاری خارجی
- افزایش رقابت پذیری بنگاه ها

شده است.

۳-۱. کارگران و تعادل بازار مصرف

کارگران تنها تولیدکننده نیستند؛ مصرف کنندگان اصلی جامعه اند. افزایش درآمد این قشر باعث رشد تقاضای مؤثر شده و این چرخه به رونق اقتصادی می انجامد. تجربه کشورها نشان می دهد که قدرت خرید کارگران با سرعت رشد اقتصادی رابطه مستقیم دارد.

۴-۱. نقش کارگران در ثبات اقتصادی

اقتصادی که در آن نیروی کار ناپایدار، نگران آینده یا فاقد بیمه و امنیت باشد، در بلندمدت با بحران هایی مانند مهاجرت، کاهش بهره وری و رکود مواجه می شود.

کارگران پایدار، شاغل و دارای رفاه نسبی، بنیان ثبات اقتصادی کشور را تشکیل می دهند.

۲. نقش کارگران در توسعه اجتماعی

۱-۲. تضمین عدالت اجتماعی

توسعه اقتصادی بدون عدالت اجتماعی ناپایدار است. حقوق منصفانه، امنیت شغلی، بیمه درمانی و امکان پیشرفت، مهم ترین ابزارهای کاهش نابرابری در جامعه هستند.

با تقویت قشر کارگر:

- شکاف طبقاتی کاهش می یابد
- احساس تعلق اجتماعی افزایش پیدا می کند
- از بروز نارضایتی های اجتماعی جلوگیری می شود

۲-۲. سرمایه انسانی و توسعه مهارت

سرمایه انسانی تنها با سرمایه گذاری بر نیروی کار ایجاد می شود. کارگری که آموزش ببیند، مهارتش ارتقا یابد و احساس امنیت کند، خلاق تر، وفادارتر و سازنده تر خواهد بود. این امر در بلندمدت فرهنگ «مهارت محوری» را در جامعه تقویت می کند و موجب افزایش کیفیت نیروی انسانی می شود.

۳-۲. کارگران و نقش فرهنگی در جامعه

کارگران حامل فرهنگ کار، تعاون و تلاش اند. حضور فعال آنان در تشکلهای کارگری، برنامه های اجتماعی، فعالیت های محلی و حتی عرصه های فرهنگ عمومی، نقش مهمی



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۱۰۰
۵ آذر سال ۱۴۰۴

۴. چالش‌های معاصر و ضرورت تحول

کارگران امروز با چالش‌های متعددی روبرو هستند، از جمله:

- رشد فناوری و خطر جایگزینی نیروی کار با اتوماسیون
- افزایش مشاغل غیررسمی و فاقد بیمه
- بالا رفتن هزینه‌های زندگی
- قراردادهای کوتاه‌مدت و نامطمئن
- عدم مشارکت در تصمیم‌سازی‌های اقتصادی
- مهاجرت نیروی کار ماهر

برای مواجهه با این چالش‌ها، سیاست‌های جدید و آینده‌نگر لازم است؛ از جمله:

توسعه اقتصاد دانش‌بنیان همراه با مهارت‌آموزی کارگران، اصلاح قوانین کار، حمایت از تشکلهای کارگری، و ارتقای فناوری همراه با حفظ اشتغال.

نتیجه‌گیری

قشر کارگر نه تنها نیروی اجرایی اقتصاد، بلکه ستون توسعه پایدار و ضامن سلامت اجتماعی است. هیچ کشوری بدون توجه به نیروی کار خود به توسعه‌ی واقعی دست نمی‌یابد. برنامه‌های توسعه زمانی موفق می‌شوند که جایگاه کارگران در آن‌ها به رسمیت شناخته شود و از حقوق، امنیت و رفاه آنان حمایت گردد. سرمایه‌گذاری بر نیروی کار، سرمایه‌گذاری بر آینده است.

در شکل‌دهی به هویت جمعی دارد. آنان ارزش‌هایی مانند انصاف، مسئولیت‌پذیری، همبستگی و تعاون را در جامعه گسترش می‌دهند.

۳. ضرورت حمایت از کارگران در مسیر توسعه

۱-۳. اصلاح و تقویت نظام حقوق کار وجود قوانین حمایتی از کارگران، زمینه‌ساز رقابت‌پذیری سالم در اقتصاد است. مقررات روشن درباره:

- حداقل دستمزد
 - بیمه و بازنشستگی
 - ایمنی محیط کار
 - حق تشکلیابی
 - قراردادهای شفاف و رسمی
- از ارکان اصلی توسعه به‌شمار می‌آیند.

۲-۳. توجه به رفاه و کیفیت زندگی رفاه کارگر تنها در افزایش حقوق خلاصه نمی‌شود. خدمات درمانی، بیمه بیکاری، دسترسی به مسکن مناسب، امنیت شغلی و ساعات کار انسانی، از عوامل مهم کیفیت زندگی هستند. کارگری که با فشار معیشتی روبرو باشد، نه تنها عملکرد مناسبی نخواهد داشت، بلکه جامعه را نیز با مشکلات اجتماعی مواجه می‌کند.

۳-۳. سرمایه‌گذاری در آموزش و مهارت یکی از مهم‌ترین سرمایه‌گذاری‌های دولت‌ها و بخش خصوصی، توسعه مهارت‌های نیروی کار است.

آموزش ضمن خدمت، آشنایی با فناوری‌های نو، و ارتقای مهارت‌های نرم مانند ارتباط و مدیریت زمان، در افزایش رقابت‌پذیری اقتصاد نقش کلیدی دارد.



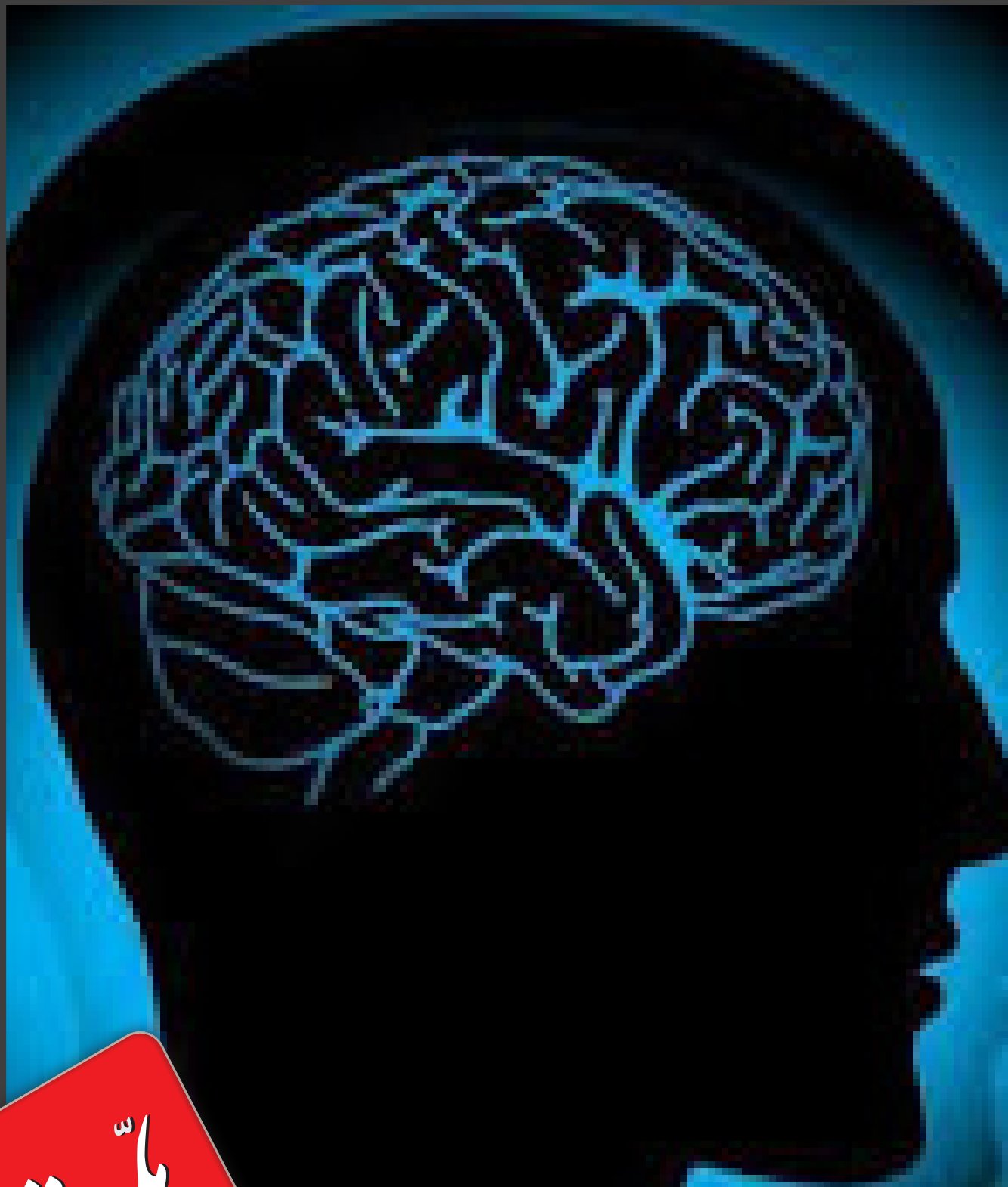
هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۱۰۰

۵ آذر سال ۱۴۰۴



اندیشه



انقلاب وسطی

بخش دوم



علیرضا مقدم



بخورد، ارتباط عملی بین مردم و مسئولان کلان جامعه قطع می گردد!

واقعیت های یک شکست ساختاری.
برای درک شدت این بحران، کافی است هر ایرانی یک تجربه ساده
تعریف کند:

مراجعه به یک اداره
درخواست یک مجوز
پی گیری یک حق بدیهی
بیشتر افراد در مواجهه با این سوال حتی نمی توانند بدون لحن تلخ،
این تجربه ها را بازگو کنند.

جایی میان دستور وزیر و نیاز مردم، قانون به سلیقه تبدیل می شود،
وظیفه به لطف شخصی، و زمان به دیوار نامرئی!
این جاست که اعتماد عمومی فرو می ریزد.
این جاست که مردم حس می کنند «سیستم علیه ماست»، نه برای ما.
چرا لایه میانی این گونه شد؟
این بحران، محصول چند علت ریشه دار است:

بحران مدیران میانی: لایه ای که ایران را فلج کرده است!
وقتی درباره بحران مدیریت در ایران حرف می زنیم، نگاه ها معمولاً
فوری می روند سمت مسئولان و سیاستگذاران ارشد نظیر شاه و نخست
وزیر یا رئیس جمهور و رهبری یا هیئت وزیران و مجلس و به طور کلی
سیاست های کلان مورد انتقاد قرار می گیرد!

اما واقعیت تلخ این است که اگر فردا تمام سیاست ها درست و علمی
نوشته و ابلاغ شوند و مدیریت کلان با جدیت آن برنامه را پیگیری نماید
باز هم در اجرا زمین می خوریم. چرا؟ چون جایی در میانه ی ساختار،
که سیاست تبدیل به عمل می شود، گلوگاهی پوسیده قرار دارد: بدنه ی
مدیریت میانی که وظیفه انتقال قدرت به جامعه را دارد!

مدیران میانی، کارشناسان تصمیم ساز، رؤسای ادارات، بخشنامه نویسان،
کارمندان دارای اختیار، لایه های میانی هستند که تبدیل به طبقه ای خودبسند،
غیر پاسخگو و در بسیاری موارد ناکارآمد شده اند. این قشر نه آن قدر در
معرض دیدند که از آنها بازخواست شود، نه آن قدر نزدیک به مردم که درد
جامعه را لمس کنند.

این طبقه همان پل ارتباطی میان مردم و حاکمیت است. پل وقتی ترک



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۱۰۰

۵ آذر سال ۱۴۰۴



هفته‌نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۱۰۰

۵ آذر سال ۱۴۰۴

۱ انتصاب بر اساس رابطه به‌جای شایستگی و ضابطه!
سال‌هاست افراد نه به دلیل توانایی اجرایی، بلکه به واسطه نزدیکی سیاسی/اداری رشد کرده‌اند.

۲ بقادر رکود؛ تنبیه در نوآوری!
هر مدیری که بخواهد واقعا کاری بکند، با مقاومت طبقه‌ای روبه‌رو می‌شود که از حفظ وضع موجود نان می‌خورد. بنابراین تغییر انرژی مضاعف می‌برد

۳ پنهان کاری و بی‌شفافیتی سیستماتیک
کارنامه عملکرد مدیران میانی اغلب قابل اندازه‌گیری و ارزیابی عمومی نیست. پس نارضایتی مردم بی‌صدا می‌ماند.

۴ جریان معکوس مسئولیت‌پذیری!
در چنین شرایطی وقتی خطا رخ می‌دهد، مدیر بالا دستی کارمندان دونه پایه را مقصر قلمداد می‌کند و کارمند پایین می‌گوید اظهار می‌کند که: «از بالا دستور بوده.» و در نهایت، هیچ‌کس مقصر نیست.

طبقه متوسط گرفتار: قربانی و مجری هم‌زمان
بدنه‌ی اجرایی کشور از بطن همین طبقه متوسط برخاسته است. طبقه‌ای که خود زیر فشار اقتصادی له می‌شود، اما موظف است بر زندگی دیگران هم نظارت کند.

این تناقض، خلق یک موجود دوگانه را باعث می‌شود:
یک کارمند دولت در صف نانوائی «مردم» است، پشت میز اداره «حاکمیت» می‌شود.

در این رفت‌وآمد دائمی، ارزش‌های انسانی فرسوده و اخلاق اداری قربانی معیشت می‌گردد.

نتیجه: سقوط اعتماد، سقوط کارآمدی وقتی مردم باور کنند تلاش فایده‌ای ندارد، فساد به استراتژی بقا تبدیل می‌شود.
وقتی مدیر میانی یاد بگیرد که می‌تواند بی‌کیفر باقی بماند، این بی‌کیفری به کل سازمان سرایت می‌کند.

وقتی سیاست‌های ملی در نقطه اجرا متوقف می‌شود، هر اصلاحی بی‌اثر خواهد بود:

— عدالت اجتماعی

— آموزش

— توسعه اقتصادی

— برنامه‌های رشد و توسعه

هیچ‌چیز به مقصد نمی‌رسد. پس مشکل اصلی کجاست و تغییرات از کجا باید آغاز شود؟

بالا اگر هزار بار دستور اصلاح بدهد، باز هم همین طبقه میانی است که باید اجرا کند.

پایین اگر هزار بار مطالبه کند، باز هم همین طبقه میانی است که باید پاسخ بدهد. تنها یک نقطه برای آغاز باقی می‌ماند:

لایه‌ی میانی!

جایی که کشور در آن قفل شده است نام این ضرورت تاریخی: انقلاب وسطی یا انقلاب میانی است!

انقلابی نه علیه حاکمیت و نه علیه مردم، بلکه برای بازگرداندن نقش درست هر دو. انقلابی نه برای تخریب ساختار بلکه برای بازتوانی استخوان‌بندی اداری کشور. و این انقلاب چه ویژگی‌هایی باید داشته باشد؟

باید بدنه میانی را:

— شفاف کند

— پاسخگو نماید

— آموزش دوباره ببیند



بازخوانی ابتدال شر و عدالت ترمیمی در اندیشه هانا آرنت



فاطمه قدم

دانشجو دکتری علوم سیاسی

است. در این شکل از عدالت، انسان‌ها با پذیرش مسئولیت و گفت‌وگو، از چرخه نفرت و خشونت خارج می‌شوند. بخشش، نه به معنای فراموشی گذشته، بلکه به معنای گشودن راهی تازه برای زندگی مشترک است. آرنت می‌گوید بخشش قدرت آغاز دوباره زمان است؛ فرصتی برای رهایی از زنجیره خطاها و بازسازی رابطه‌ی انسانی.

در نگاه آرنت، تفکر نوعی مقاومت خاموش است. انسانی که می‌اندیشد، حتی اگر قدرتی نداشته باشد، در برابر شر تسلیم نمی‌شود. او می‌تواند در برابر دستور ناعادلانه بایستد، از وجدان خود پیروی کند و اجازه ندهد که ساختارهای بوروکراتیک یا عقلانیت ابزاری وجدانش را خاموش کنند. آرنت هشدار می‌دهد که شر در جهان امروز ممکن است در قالب آیین‌نامه‌ها، دستورهای اداری یا تصمیم‌های اقتصادی ظاهر شود؛ جایی که انسان‌ها تصمیم می‌گیرند بدون تأمل، چون «وظیفه‌شان است»، کاری انجام دهند.

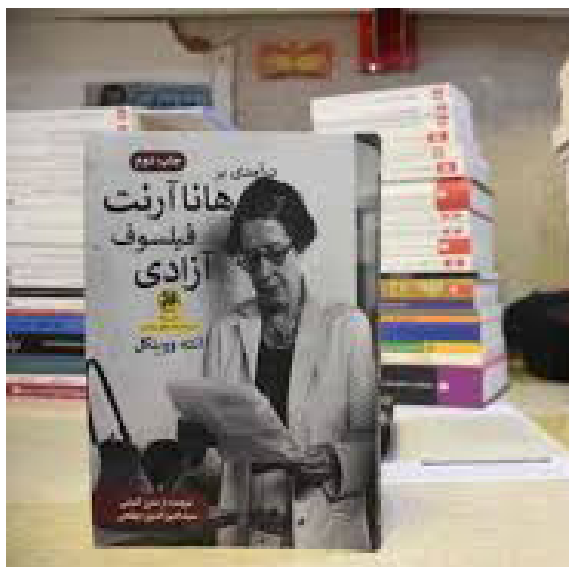
در نهایت، پیام اصلی آرنت ساده اما عمیق است: تنها درمان شر، اندیشیدن است. تفکر یعنی پرسیدن از بدیهی‌ها و نپذیرفتن امور تنها به این دلیل که همه آن‌ها را پذیرفته‌اند. در جهانی که سرعت، شتاب و رقابت ذهن‌ها را از تأمل دور کرده، شاید آرام‌ترین کار، بزرگ‌ترین مقاومت باشد؛ اینکه لحظه‌ای بایستیم و فکر کنیم.

منابع:

آرنت، هانا. آیشمن در اورشلیم: گزارشی درباره ابتدال شر. ترجمه‌ی عزت‌الله فولادوند. تهران: خوارزمی، ۱۳۷۹.

آرنت، هانا. ریشه‌های توتالیتاریسم. ترجمه محسن ثلاثی. تهران: نشر نی، ۱۳۸۳.

جهانبگلو، رامین. هانا آرنت و اندیشه مدرن. تهران: طرح نو، ۱۳۸۲. خلجی، مهدی. «تفکر به مثابه مقاومت در اندیشه آرنت». فصلنامه اطلاعات حکمت و معرفت، شماره ۹۳، ۱۳۹۳.



قرن بیستم از تناقض‌های بزرگ پر بود. از یک‌سو، بشر به دستاوردهای بزرگی در علم، تکنولوژی و حقوق بشر رسید و از سوی دیگر، شاهد فجایعی بود که وجدان انسانی را به لرزه درآورد. جنگ‌های جهانی، آشویتس و بمباران هیروشیما نشان دادند که پیشرفت علمی الزاماً به رشد اخلاقی نمی‌انجامد. پرسش اصلی این است: چگونه ممکن است انسان مدرن با این همه آگاهی، چنین شر عظیمی را رقم بزند؟ یکی از فیلسوفانی که با شجاعت به این پرسش پاسخ داد، هانا آرنت بود؛ زنی که با نگاهی تازه، مفهوم شر را از نو معنا کرد.

آرنت در کتاب «آیشمن در اورشلیم» گزارشی از محاکمه آدولف آیشمن، یکی از مسئولان نازی، ارائه داد. برخلاف تصور عمومی، آیشمن هیولا یا دیوانه‌ای نبود؛ مردی عادی بود که با نظم و دقت کارش را انجام می‌داد و تنها می‌گفت «من دستور داشتم». آرنت از مشاهده این وضعیت به نتیجه‌ای رسید که بعدها یکی از مهم‌ترین مفاهیم قرن شد: شر همیشه از نفرت و خشونت آشکار نمی‌آید، بلکه می‌تواند از بی‌فکری، بی‌مسئولیتی و اطاعت کورکورانه زاده شود. او این پدیده را «ابتدال شر» نامید؛ یعنی عادی شدن بدی در زندگی روزمره. در نظر آرنت، ریشه شر در ناتوانی انسان از اندیشیدن است. وقتی فرد از قوه داوری اخلاقی‌اش جدا می‌شود و بدون تأمل عمل می‌کند، در واقع مسئولیت خود را واگذار کرده است. از نظر او، اندیشیدن تنها فعالیتی ذهنی نیست، بلکه نوعی وظیفه اخلاقی است. انسان اندیشنده، پیش از انجام هر کاری، از خود می‌پرسد آیا این عمل درست است یا نه. به همین دلیل آرنت، تفکر را نخستین گام در برابر شر می‌داند.

در کتاب «وضع بشر»، آرنت زندگی انسان را در سه حوزه توضیح می‌دهد: زحمت برای بقا، کار برای ساختن جهان انسانی و عمل برای حضور در عرصه عمومی. او بر این باور بود که انسان تنها زمانی واقعاً انسانی است که در ساخت عمل وارد شود، یعنی در گفت‌وگو، تصمیم‌گیری و مسئولیت‌پذیری شرکت کند. اما در جوامع توتالیتار، این ساخت از بین می‌رود؛ مردم یاد می‌گیرند فکر نکنند و فقط تبعیت کنند. به همین دلیل است که به باور آرنت، خطر اصلی نه استبداد آشکار، بلکه نظام‌هایی است که به آرامی قضاوت اخلاقی را از انسان می‌گیرند.

پس از جنگ جهانی دوم، موضوع عدالت نیز مورد توجه دوباره قرار گرفت. دادگاه‌های بین‌المللی بسیاری تشکیل شد تا جنایتکاران جنگی مجازات شوند. با این حال آرنت معتقد بود که مجازات به تنهایی کافی نیست. عدالت واقعی، تنها زمانی معنا دارد که بتواند پیوندهای انسانی گسسته را ترمیم کند. از همین نگاه بود که بعدها مفهوم «عدالت ترمیمی» شکل گرفت. این نوع عدالت، به جای تمرکز بر انتقام یا تنبیه، بر گفت‌وگو، اعتراف و بازسازی اعتماد اجتماعی تأکید دارد. نمونه‌هایی از این رویکرد را می‌توان در آفریقای جنوبی پس از آپارتاید، رواندا پس از نسل‌کشی و کلمبیا پس از درگیری‌های داخلی دید؛ جایی که قربانیان و مجرمان در کنار هم نشستند تا حقیقت را بیان کنند و جامعه‌ای تازه بسازند.

عدالت ترمیمی در واقع ادامه همان اندیشه آرنت درباره «عمل»



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۱۰۰

۱۴۰۴ سال ۱۴۰۴



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۱۰۰
۵ آذر سال ۱۴۰۴

«رهایی از زندان نام‌ها»



محمد آخوندپور امیری

پژوهشگر مسائل ایران

هر گاه بحث نهضت ملی شدن نفت و رویدادهای مرداد ۱۳۳۲ دوباره در فضای عمومی طرح می شود، نگاه‌ها به جای بررسی روندهای تاریخی و منطق نیروهای سیاسی، دوباره به سوی نام‌ها، دوگانه‌ها و داوری‌های هیجانی بازمی گردد. در حالی که آنچه امروز بیش از همیشه اهمیت دارد، فهمیدن این نکته است که چگونه اسطوره‌سازی، منازعات میان شخصیت‌ها و روایت‌های قطبی شده، ما را از اندیشیدن به سازوکارهای قدرت، ظرفیت‌های جامعه و امکان‌های تغییر دور کرده‌اند. نوشتار پیش رو با فاصله گذاری آگاهانه از جدال‌های شخصیتی، می‌کوشد نسبتی روشن تر با گذشته‌ای بسازد که هنوز هم سایه‌اش بر تصمیم‌ها و تصورات امروز ما سنگینی می‌کند.



واقعیت ممکن و قرار گرفتن در صفت‌بندی‌های چپ و راست و توده‌ای و لیبرال و امثالهم خواهد ساخت، بلکه محض رضای خدا هیچ دردی را نیز درمان نخواهد ساخت. شمارادچار خطای شناختی و به تبع آن خطای تحلیلی بسیاری خواهد نمود که نه به در دنیای پتان خواهد خورد و نه توشه‌ای را راهسپار آخرت‌تان خواهد ساخت. این روزها پروژه محرومیت سازی‌ها از دایره ندانستن‌ها، نخواندن‌ها و یا بد خواندن‌های جماعت کثیر وطنی فرسنگ‌ها جلوتر رفته است؛ تا آنجا که در سایه بی‌خردی بر خری جاهلان به دانایی و بر خری عاملان چشم دوخته به دستگاه خوان و کرم دول خارجی، بیمار رو به موت وطن را در احتضاری جانکاه رها کرده و او را به هیچ انگاشته و به شکلی تراژیک-کمیک به تحریف‌هایی تاریخی از وقایع گذشته دست می‌زنند. تحریف‌هایی که بر خری از آنها به قدری سطحی و پیش پا افتاده‌اند که آدمی را به تحقیر وامی دارند. انحلال مجلسی که عملاً در آذر ۱۳۳۲ توسط پهلوی دوم صورتی عینی از واقعیت را به خود گرفت را به مصدق نسبت می‌دهند. اندیشه انحلال مجلسی که مدت‌ها پیش از آنکه به ذهن فردی همچون مصدق خطور کند، طرح پیشنهادی قوام السلطنه بود (چرا که اساساً نمی‌توانست با مجلسی که عناصر جبهه ملی اول در آن حضور داشتند طرح‌های خود را عملی سازد و چندان کاری به پیش برد).

در این میان نباید فراموش کرد که ما همواره ملت اسطوره پروری نیز بوده‌ایم. «فخرالدین عظیمی» در کتاب «بحران دموکراسی در ایران» در میانه سطور می‌گوید: «بیان گرش و وقایع سال‌های نخست وزیری مصدق است، جمله به غایت مهم و تأمل برانگیزی را به رشته تحریر در می‌آورد. او در انتهای روایتش از دولت مصدق که دیگر بر سر کار نیست بیان می‌دارد «بعد از سرنگونی دولت مصدق، اسطوره مصدق جان می‌گیرد و شروع بکار می‌کند». همین یک جمله تاریخی گره‌های بیشمار را پیش روی چشم‌مان قرار خواهد داد.

هفتاد سال از یک واقعه بحث برانگیز تاریخی می‌گذرد اما تنور دیدگاه‌های متفاوت و گاه متناقض همچنان داغ است. این موضوع نشان از این واقعیت دارد که ما هنوز خود را از زندان نام‌ها رها نساخته و نسبت‌مان با وقایع تأثیر گذار تاریخی را روشن نساخته‌ایم. البته شایان ذکر است که روشن نکردن تکلیف‌مان با رویدادهای از ضعف دستگاه معرفتی ما، بلکه نشأت گرفته از عادت واره‌های احساسی مادر مواجهه با رویدادها و علاقه‌مندی به ذهنیت ایدئولوژی محور است. اما حتی اعتراف به چنین واقعیت تلخی، در نتیجه گیری تفاوتی را حاصل نخواهد ساخت. مصدق و آمان ملی کردن صنعت نفت، استخوانی در گلو زخمی بر جان می‌شود که ۲۵ سال بعد از فرو افتادن دولت مصدق، چمدان‌های شاه را به دستانش می‌دهد تا با شانه‌هایی خسته و چشمانی اشکبار ترک دیار کند؛ اما این وداع با موطن مادری نوید هیچ‌گونه بازگشت شکوهمندانه به قدرت را نخواهد داد و هیچ نشانی از تکرار تاریخ و مشابهت به روزهای منتهی به مرداد ۳۲ را نخواهد داشت. نه کودتای آمریکایی در راه است، نه زاهدی گوش به فرمان و نه مصدقی که پیشنهاد به صحنه کشاندن مردم برای حمایت از دولتش را بدلیل تحمیل هزینه‌های گزاف بر مملکت رد نماید.

القصد آنکه می‌بایست مراقب استخوان در گلوهای تاریخی بود. گاهی تداوم بغض‌های فروخته، گوش‌های ناشنوا، استبداد منور و توهم بازگشت به باستان گرایی بی‌قوار، فوران آشفشانی خواهد شد که دودمان سلطنتی پنج دهه‌ای را یکباره به باد خواهد داد.

هر ساله تقارن سالروز «ملی شدن صنعت نفت ایران» با نفس‌های آخرین و ثانیه شمار انتهایی ترین روز سال، پرداختن به چنین رویداد تاریخی را در سیلان اضطراب‌ها، دوندگی‌ها و خستگی‌های بی‌امان شب عید مردم به دست نسیان می‌سپارد. البته ضرورت پرداختن به این رویداد، گذشته از میزان اهمیت آن در واکاوی حوادث آن روزها، نظام معرفتی هر یک از ما و صدا البته نگرش مانسبت به فرآیندهایی که در آینده دور یا نزدیک رخسار خویش را بر ماعیان خواهد ساخت و از سویی در تشابه و از سوی دیگر در تخالف با رویدادهای پیشین قرار خواهد گرفت را هویدا خواهد ساخت.

هدف از نگارش این متن برای نگارنده آن پرداختن و باز کاوی نهضت ملی شدن صنعت نفت ایران، کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ و شخصیت مثبت یا منفی دکتر محمد مصدق نیست؛ چرا که تمامی حقایق پیرامون این رویداد پیشتر و به کرات در قالب سلسله کتاب‌ها، مقالات و سخنرانی‌ها از سوی پژوهشگران، تاریخ‌نگاران و نخبگان علمی و دانشگاهی کشور برای آنانی که در پی عیان سازی و فراگیری واقعیت نهفته‌اند به رشته تحریر در آمده و به گوش جان شنیده شده است.

فرا تر از نام‌ها و شرح رویدادها می‌بایست به دنبال خط سیر فکری جریان‌های اصلی سیاست در دوره‌های تاریخی این سرزمین بگردیم. همچنین پرداختن به این موضوع که اساساً در مواجهه با استبداد داخلی و استعمار و استثمار خارجی چه بدیل‌های امکان پذیر پیش روی جامعه و نخبگان فکری و سیاسی در فواصل زمانی مختلف وجود داشته و ظرفیت تغییر در بستر جامعه و سیاست از چه منطق متعالی بر خوردار بوده است، از اهمیت دوچندانی در تحلیل شرایط خاص تاریخی-اجتماعی ایران بر خوردار است. به همین مناسبت می‌بایست نسبت ما با دوران روی کار آمدن، تنش‌های میان دولت، دربار، مجلس و سفارت خانه‌های خارجی در ایران و بطور کلی عرصه سیاست ورزی در هنگامه استقرار دولت دکتر محمد مصدق به دقت مورد مطالعه و کنکاش نظری قرار گیرد.

متأسفانه دستگاه تحمیل پرور روشنفکر وطنی این روزها شدیداً در پی دو گانه سازی هاست. دو گانه «قوام یا مصدق» نیز از دل همین تراوشات ذهنی این طبقه گرفتار آمده در چاه ظلمانی افکار پوچ و بی‌معنی، تجلی بی‌فروغی پیدانموده است. اما این چنین رویکردی شما را نه تنها دچار اظهار نظرهای هنجاری، دور شدن از

از بحران تابهر هوری؛ چگونگی استفاده از سیلاب در کشور



مریم کوشکی

در روزگاری که ایران میان دو سوی تضاد کم آبی و سیلاب گرفتار آمده است، مدیریت درست منابع آب بیش از هر زمان دیگر به مسئله‌ای حیاتی بدل شده است. گفت‌وگوی پیش‌رو با یکی از کارشناسان حوزه جغرافیا و منابع طبیعی، به کوشش مریم کوشکی، تلاشی است برای واکاوی ظرفیت‌های پنهان سیلاب در کشوری خشک و شکننده همچون ایران؛ ظرفیتی که در نگاه دقیق‌تر، می‌تواند هم تهدیدی ویرانگر باشد و هم نعمتی نجات‌بخش، به شرط آن که با دانش، برنامه و آینده‌نگری همراه شود.

۲. آیا سیلاب در استان‌های خوزستان و گلستان می‌تواند نعمت باشد؟

وضعیت جغرافیایی جلگه‌های خوزستان و گلستان با توجه به توجه به اختلاف ارتفاع بسیار بین کوه‌های پیرامونی و سطح جلگه بسیار مستعد وقوع سیلاب هستند هر دو منطقه دارای یک ناحیه مرطوب و یک ناحیه خشک می‌باشند. با این حال وضعیت استان گلستان از نظر وضعیت بارش و پوشش گیاهی کاملاً با خوزستان تفاوت دارد. بخش مرطوب استان گلستان در جنوب، غرب و شرق استان واقع شده و به علت داشتن پوشش گیاهی نسبتاً متراکم و انبوه و همچنین بارش‌های ممتد و غیر رگباری در اغلب موارد معمولاً مستعد سیلاب نیست با این حال وقوع سیلاب به‌ویژه در بهار و تابستان محتمل اما با خسارات اندک است. بخش شمالی استان در شمال رود گرگان دارای آب و هوای نیمه بیانی تا بیابانی است و به علت نداشتن پوشش گیاهی انبوه مستعد سیلاب‌های مخرب مانند سیلاب بهار سال ۱۳۹۸ است. با این حال به علت عدم اقدامات لازم وقوع سیلاب در این بخش معمولاً مخرب و با خسارات و تلفات سنگین همراه است. بنابراین بارش باران‌های سنگین و یا مداوم به در بخش شمالی استان گلستان تا زمان انجام اقدامات لازم نعمت به‌شمار نخواهد آمد.

استان خوزستان از نظر موقعیت جغرافیایی در شرایط کاملاً متفاوتی قرار دارد. بخش بزرگی از استان با وجود بارش نسبتاً

۱. نظر شما در خصوص استفاده از (آب) سیلاب در کشور چیست؟

سیلاب از جمله بلاای طبیعی به شمار می‌آید که حاصل بارش حجم عظیمی از آب در مدت زمان کوتاه و یا بارش مداوم در زمان طولانی و اشباع خاک و جاری شدن آب در سطح زمین است. طبیعتاً در صورتی که از قبل اقدامات لازم خصوصاً مهار آن انجام شده باشد هم از شدت خسارات کاسته خواهد شد و هم از آب حاصل از آن می‌توان با حداقل خسارت در جهت تغذیه آبخوان‌های زیرزمینی و یا سدهای کوچک و بزرگ روی زمین بهره برد، با این حال موارد یاد شده روی کاغذ و در تئوری به صورت ساده سازی شده می‌باشد اما در عمل با اما و اگرهای بسیاری روبرو است. یکی از مهمترین مسائل مربوط به این آن در اکثر موارد وقوع این پدیده به صورت ناگهانی و ایجاد وضعیت بحرانی است که خود نیازمند مدیریت بحران می‌باشد. به طور کلی سیلاب مانند یک تیغ یا شمشیر دو لبه عمل می‌کند، یعنی هم فرصت است و هم تهدید. در کشور خشک و بسیار خشکی چون ایران به هر حال سیلاب در صورت کنترل و مهار می‌تواند مفید باشد اما در شرایط کنونی که اکثر مناطق عاری از پوشش گیاهی شده‌اند و اقدامات لازم و ضروری از جمله سدهای کوچک آبشکن نیز ساخته نشده است طبیعتاً سیلاب پدیده‌ای مخرب و آب حاصل از آن با ایجاد تلفات و هزینه بسیار قابل استفاده است.



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۱۰۰

۵ آذر سال ۱۴۰۴





هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۱۰۰
۵ آذر سال ۱۴۰۴

مناسب در استاندارد ایران به علت تبخیر بالا دارای آب و هوای بیابانی و نیمه بیابانی و پوشش گیاهی فقیر می باشد. در بخش های شمال، شمال شرق و شرق استان نیز با وجود بارش خوب داشتن پوشش گیاهی مناسب در گذشته به علت قطع درختان و چرای بیش از حد دام ها امروزه از وضعیت مناسبی برخوردار نیست و نشانه آن وقوع سیل های ویرانگر بهار ۱۳۹۸ و ۱۳۵۹ است. با این حال دو عامل باعث تعدیل کنترل بیشتر سیلاب ها و قدرت ویرانگری آنها گردیده، یکی سدهای ساخته شده در پیرامون جلگه و که مانند آب شکن های عظیم عمل می کنند و دیگری خود رودخانه های جاری در جلگه خوزستان که کار زه کشی را انجام می دهند. بنابراین خوزستان در برابر سیل های کوچک و متوسط وضعیت مناسبی دارد و می توان از آب آنها در بهبود وضعیت آب استان بهره برد. اما سیلاب های عظیم مانند سال ۱۳۹۸ و ۱۳۵۹ شاید در هر جای جهان رخ دهد چالشی بزرگ برای مدیریت آب خواهد بود.

۳. چه پیشنهادی برای استفاده بهینه از سیلاب دارید؟

الف) نگهداری و تقویت پوشش گیاهی

ب) ساختن سدهای کوچک آب شکن در شیراها و دره های زمین های مرتفع و ارتفاعات

در واقع در کلام اجرای کامل اصول آبخیز داری

۴. کدام شهر؟ (استان) ایران بهترین موقعیت را در بهره برداری از سیلاب را دارد؟

در حال حاضر شاید بتوان از استان گیلان و برخی نواحی غرب مازندران نامبرد که هنوز تاحدی از پوشش گیاهی مناسبی برخوردارند.

۵. کدام کشورها از سابقه، تجربه و فن آوری پیشرفته در زمینه مدیریت سیلاب برخوردارند؟

درمیان کشورهای جهان ژاپن، هلند، انگلستان، نروژ و تا حدی آفریقای جنوبی و مصر در این خصوص صاحب نام هستند. علت

این امر آب و هوای خاص این کشورها و در مورد هلند و نروژ موقعیت خاص جغرافیایی را نیز باید افزود. برای نمونه ژاپن بعلت قرار گرفتن در شرق آسیا در فصل تابستان در معرض وزش بادهای موسمی و باران های رگباری موسمی است و با وجود پوشش گیاهی مناسب و انبوه، در گذشته شاهد سیل های ویرانگر بوده است. با اینحال امروزه با بکارگیری فن آوری های پیش رفته و سرمایه گذاری های مناسب که حاصل توسعه اقتصادی و سیاسی بالای آن کشور است، توانسته است تا حد بسیاری بر این معضل و بلای طبیعی فایق آید. در نروژ نیز به واقع شدن کوه های بلند در فاصله کم از دریا و بارش بسیار جلگه های ساحلی به ویژه در تابستان در معرض سیلاب بودند که امروزه تقریباً مهار شده اند. در هلند به واقع شدن برخی از اراضی در زیر سطح آب های دریای آزاد و قرار گرفتن در دهانه و دلتای رود راین در گذشته در سیلاب های عظیم بود که امروزه با ساختن سدهای ساحلی به نام پلدر تقریباً اثری از آن سیلاب ها نیست. در میان کشور یاد شده آفریقای جنوبی از برخی جهات آب وهوایی بیشترین شباهت را با ایران دارد به ویژه نیمه غربی آن که بسیار شبیه بخش های نیمه بیابانی کشورمان است. در این کشور نیز با حفظ و تقویت تقویت پوشش گیاهی و سدهای آب شکن تا حد بسیاری سیلاب ها مهار و کنترل شده اند. در مصر که بیشترین شباهت را به مناطق بیابانی کشورمان دارد نیز تجربیات خوبی در صحرای سینا در زمینه سدهای آب شکن دارد.

۶. آیا امکان استفاده از تجربیات و دانش این کشورها برای مهار سیلاب وجود در کشورمان وجود دارد؟

بله، با سرمایه گذاری و تفکر علمی به جای شبه علم و جایگاه آب و مدیریت آب به عنوان دغدغه نخست کشور. در جغرافیا اصلی به نام استئنا گرایی وجود دارد به این معنا که هر مکانی (کشور نیز یکی از مقیاس های مکان به شمار می رود) ویژگی های خاص خود را دارد و هیچ دو مکانی شبیه هم نیستند. لازم به ذکر است مکان در جغرافیا و جمیت شناسی تنها زمین فیزکی نیست و شامل زمین و انسان با هم می باشد. با این حال مکان ها دارای شباهتهایی نیز می باشند، لذا می توان از تجربیات شبیه به انسان ها در مکان ها مختلف برای حل مشکلات و توسعه و پیشرفت استفاده کرد.



معرفی کتاب



معرفی کتاب

در اندیشه ایران



مریم کوشکی

نویسنده: اسحاق جهانگیری

ناشر: مؤسسه فرهنگی هنری جهان کتاب

سال انتشار: ۱۴۰۴

قطع: رقعی

تعداد صفحات: ۴۷۰ صفحه



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۱۰۰

۵ آذر سال ۱۴۰۴

ساختار اجرایی و تقنینی کشور - از نمایندگی مجلس تا وزارت صنایع و معادن، تا معاونت اول ریاست جمهوری - تجربیاتی کسب کرده که ترکیبی از دیدگاه فنی، نگاه مدیریتی و تفکر توسعه گراست.

جهانگیری دانش آموخته دانشگاه کرمان و دارای دکترای برنامه ریزی و مدیریت صنعتی است. سبک کاری اش همواره مبتنی بر گفت و گو، کار جمعی و تصمیم های معقول و سنجیده بوده است؛ و همین ویژگی، در کتابش منعکس است. خواننده با شخصیتی مواجه می شود که از شور میدان سیاست، به آرامش اندیشه رسیده؛ سیاستمداری که دغدغه اش نه قدرت، بلکه دوام اصلاح و پاسداری از عقلانیت در ساخت قدرت است.

او از معدود مدیران جمهوری اسلامی است که به جای شعار سیاسی، به مطالعه و بازخوانی تجربیات مدیریتی خود پرداخته است؛ از این منظر، کتابش بیش از یک خاطره نامه، بلکه «سند اندیشه مدیریتی در بستر تاریخ سیاسی ایران معاصر» است.

* لحن و سبک روایت

نثر جهانگیری در «در اندیشه ایران» متین، سنجیده و در عین حال صمیمی است. او به زبان رسمی و خشک سیاستمداران متوسل نمی شود، بلکه از زاویه انسانی روایت می کند. لحن کتاب آمیزه ای است از صداقت، تأمل و خودانتقادی آرام؛ نوعی گفت و گوی درونی میان راوی و وجدان تاریخی.

در بخش هایی از کتاب، لحن از گزارش اجرایی به تأمل فلسفی تغییر می کند - گویی راوی، بیش از آنکه درباره تصمیم ها بنویسد، در پی فهم معنای تصمیم گیری در فضای سیاسی ایران است. این گذر از بیرون به درون، از رخداد به معنا، به اثر حال و هوای فرهنگی می دهد؛ و به همین دلیل خواندن کتاب، نه تنها برای علاقه مندان تاریخ سیاسی، بلکه برای مخاطبان عمومی نیز جذاب است.

زبان او در سراسر متن، «آرام اما موقر» است. هیچ جا فریاد نمی زند، اتهام نمی آورد، بلکه تحلیل می کند و می کوشد بفهمد. از این منظر، کتاب همچون گفت و گوی درونی میان تجربه و تفکر است؛ و همین نجابت نثر، به آن شانی ادبی می بخشد.

* نقاط قوت کتاب

۱. عمق تحلیلی در خاطره نگاری: برخلاف بسیاری از خاطرات سیاسی، نویسنده فقط راوی وقایع نیست؛ بلکه چرایی و پیامد هر تصمیم را تحلیل می کند و از دل تجربه، تبیین نظری عرضه می دارد.

۲. صداقت در روایت شخصی: جهانگیری با بی پرده گی از دشواری های فردی، ناکامی ها و اشتباهات سخن می گوید؛ اعتراف هایی صادقانه که اثر را از سطح گزارش به سطح فهم

کتاب «در اندیشه ایران» اثر اسحاق جهانگیری، چکیده هشت سال حضور او در مقام معاون اول رئیس جمهور در دولت های یازدهم و دوازدهم (۱۳۹۲ تا ۱۴۰۰) است؛ دورانی سرشار از تصمیم های سخت، بحران های بی وقفه و تجربه زیسته سیاستمداری در پیوند با اندیشه و اخلاق. این اثر نه تنها مجموعه ای از خاطرات سیاسی است، بلکه «آیین های از مسیر تفکر در خدمت عمومی و تصویر ایران در مواجهه با جهان معاصر» به شمار می آید.

جهانگیری در این کتاب از «قدرت» سخن نمی گوید تا آن را توجیه کند؛ بلکه از دشواری «مسئولیت» سخن می گوید تا آن را بفهمد. متن، جریان آزاد خاطرات نیست، بلکه بازتاب تأملات یک مدیر در لحظه های تصمیم است، در بزرگراهی که سرنوشت ملت در گرو چند امضا، چند جمله یا سکوت بوده است.

* مضمون و درون مایه

کتاب ساختاری روایی تحلیلی دارد و از فصل های متوالی تشکیل شده که هر یک بر بُعدی از تجربه اجرایی و فکری جهانگیری تمرکز دارد: از مدیریت بحران های ارزی و بازگشت تحریم های اقتصادی تا گفت و گوهای دولت با نهادهای تصمیم ساز و چالش های عدالت اجتماعی.

در این روایت ها، نویسنده به کالبد سیاست ایران از درون می نگرد؛ به شکاف میان آرمان و واقعیت، به تقابل میان اصلاح طلبی و بروکراسی، و به میراثی که پس از سال ها فعالیت در بدنه دولت باقی می ماند.

اما «در اندیشه ایران» تنها گزارش بحران نیست؛ کتابی است درباره: «تأمل، ناامیدی، و بازیافت امید». جهانگیری در میان سطر ها، از اندوه های خاموش و شادی های گذرا سخن می گوید، از فهم تدریجی این که سیاست در ایران نه فقط هنر اداره، بلکه آزمون اخلاق است.

* درباره نویسنده

اسحاق جهانگیری از جمله چهره های با سابقه و عمل گرای جریان اصلاح طلبی ایرانی است. او در طول چند دهه حضور در

*ارزش فرهنگی و سیاسی

«در اندیشه ایران» از گونه کتاب‌هایی است که همزمان برای سه گروه ارزش دارد:

برای مردمی که می‌خواهند سرگذشت تصمیم‌های بزرگ را بفهمند؛

برای پژوهشگرانی که در پی شناخت ساخت سیاست در دهه نوداند؛

و برای نسل جدید مدیران که می‌خواهند بدانند چگونه می‌توان در قدرت زیست و همچنان اندیشید.

به این ترتیب، کتاب به منبعی فرهنگی بدل می‌شود که تجربه عملی را با تأمل نظری آمیخته است □ تلاشی برای تبدیل خاطره به اندیشه، تجربه به درس، و عمل به تأمل.

*فرجام سخن

کتاب «در اندیشه ایران» سندی است از مواجهه انسان با قدرت، از کشاکش میان عقل و احساس، آرمان و واقعیت. در سطر سطر این اثر، ایران نه یک واژه، بلکه یک پرسش است: چگونه می‌توان در میان آشوب منافع و بحران‌ها، هنوز به ایران اندیشید؟

جهانگیری در پاسخ به این پرسش، روایت خود را با صداقت، فروتنی و امید به گفت‌وگو پیش می‌برد. کتاب او نه ستایش قدرت است، نه تسلیم در برابر شکست؛ بلکه تأملی اخلاقی درباره خدمت، عقلانیت و مسؤولیت در روزگار سخت سیاست.

«در اندیشه ایران» اثری است در مرز میان خاطره و فلسفه؛ تصویری از انسان مسؤول در برابر وطن، و درسی ماندگار از این که سیاست راستین، اندیشیدن برای ایران است.

ارتقاء می‌دهد.

۳. نثری فخیم و خوانا: کتاب با زبانی ادبی، اما بی‌تکلف نوشته شده است؛ واژه‌هایی سنجیده، جملاتی خوش‌ساخت، و لحنی که گفتاری نیست اما دلنشین است.

۴. ارزش تاریخی و پژوهشی: بررسی تصمیمات دولت و بازتاب بحران‌های اقتصادی در این دوره، کتاب را به مرجع معتبر پژوهش در حوزه سیاست عمومی بدل کرده است.

۵. نگاه اصلاح‌گرانه و ملی: مؤلف در سراسر اثر به اندیشه ایران واحد، فرافرانه و فراجناحی وفادار است؛ رویکردی که بر گفتگو، عقلانیت و امید استوار است.

۶. پیوند سیاست با انسانیت: کتاب، در نهایت، روایت از قدرت نیست بلکه از انسان‌ها درون قدرت است □ از درد، تردید، و ایمان به اخلاق در جهان سیاست.

*فلسفه و بن‌مایه اندیشه

در قلب اثر، اندیشه‌ای جاری است که ایران را نه فقط مجموعه‌ای از سیاست‌ها، بلکه «مفهومی اخلاقی و فرهنگی» می‌بیند؛ میراثی که نسل‌های پیاپی باید برای حفظ آن بکوشند. جهانگیری بارها بر این نکته تأکید می‌کند که «ایران ممکن» تنها در سایه وفاق، گفت‌وگو و عقلانیت دوام می‌آورد.

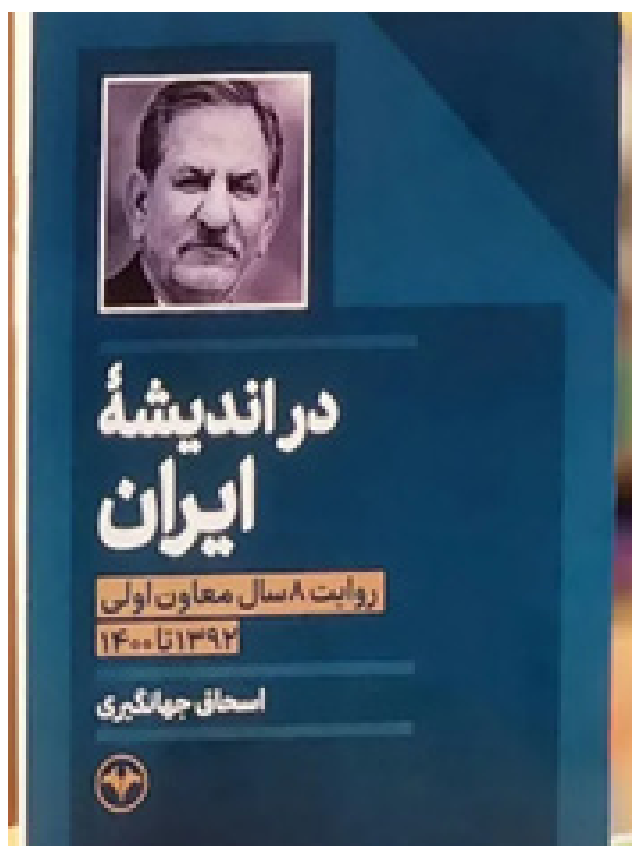
در این حدود اندیشه، امید رنگ تازه‌ای می‌گیرد: امید نه به سیاست روز، بلکه به بازسازی اخلاق خدمت. راوی به جای ملامت دیگران، از ضعف‌ها و اشتباهات خویش آغاز می‌کند و همین صداقت، کتاب را به متنی زنده و انسانی بدل می‌سازد.



هفته‌نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۱۰۰

۵ آذر سال ۱۴۰۴



آینده؛ از آن کودکان

نقد و بررسی کتاب «قانون و مسئولیت»



فاطمه وهابی زاده

معرفی کلی

کتاب «قانون و مسئولیت» (Law and Responsibility) از مجموعه آموزشی لوییس اسپیلزبری، اثری است که با زبان ساده مفاهیم پایه‌ای حقوق، قوانین مدنی، مسئولیت‌پذیری فردی و اجتماعی؛ و نقش قانون در زندگی روزمره را توضیح می‌دهد. این کتاب معمولاً برای نوجوانان و مخاطبان مبتدی نوشته شده و مناسب کسانی است که می‌خواهند بدون اصطلاحات پیچیده با مبانی حقوق آشنا شوند.

نقاط قوت

۱. زبان روان و قابل فهم
یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های کتاب این است که اسپیلزبری پیچیده‌ترین اصول حقوقی را با مثال‌های ساده توضیح می‌دهد. برای کسانی که هیچ پیش‌زمینه‌ای از رشته حقوق ندارند، این ساختار بسیار مؤثر است.
۲. نگاه آموزشی و کاربردی
نویسنده تلاش می‌کند نشان دهد که قانون فقط در دادگاه نیست، بلکه در زندگی روزمره - از مدرسه تا خانواده و فضای مجازی - حضور دارد. این ویژگی باعث می‌شود خواننده ارتباط بهتری با موضوع برقرار کند.

۳. پرداختن به مفهوم «مسئولیت‌پذیری»

کتاب فقط توضیح نمی‌دهد که قانون چه می‌گوید، بلکه می‌پرسد: «ما چه مسئولیتی در برابر دیگران و جامعه داریم؟» این تأکید کتاب را از یک متن صرفاً حقوقی خارج کرده و آن را به اثری اخلاقی-اجتماعی تبدیل می‌کند.

۴. مناسب برای آموزش در مدارس

به دلیل ساختار تصویری، مثال‌های واقع‌گرایانه و طرح پرسش‌های اخلاقی، کتاب در بسیاری از کشورها برای کلاس‌های آموزش مدنی (Civics) استفاده می‌شود.

نقاط ضعف

۱. محدودیت در عمق تحلیل

این کتاب یک متن دانشگاهی یا تخصصی نیست؛ بنابراین مباحث حقوقی را تنها در حد مقدماتی مطرح می‌کند. خوانندگانی که انتظار تحلیل دقیق قوانین یا نظریه‌های حقوقی دارند، ممکن است احساس ناکافی بودن کنند.

۲. تمرکز بر نظام حقوقی کشورهای غربی

در برخی بخش‌ها مثال‌ها و قوانین بر اساس ساختارهای حقوقی غرب (عمدتاً بریتانیا/آمریکا) طرح شده‌اند. این موضوع ممکن است برای خواننده غیرغربی نیاز به تطبیق یا مقایسه فرهنگی/حقوقی داشته باشد.

۳. نپرداختن کامل به چالش‌های معاصر

کتاب بیشتر بر اصول پایه تمرکز دارد و به مباحث جدید مانند حریم خصوصی دیجیتال، هوش مصنوعی، جرایم سایبری یا مسئولیت‌های جدید در فضای آنلاین کمتر می‌پردازد.

ارزیابی ساختار و سبک نگارش

- ساده، خطی و شفاف این سبک باعث می‌شود حتی نوجوانان نیز آن را به راحتی بخوانند.
- استفاده از تصویر، نمودار و مثال برای یادگیری مفاهیم انتزاعی بسیار مؤثر است.
- درگیر کردن ذهن خواننده با پرسش در بسیاری بخش‌ها سؤال‌هایی مطرح می‌شود که خواننده را به تفکر درباره عدالت، حق و مسئولیت وامی‌دارد.

جمع‌بندی

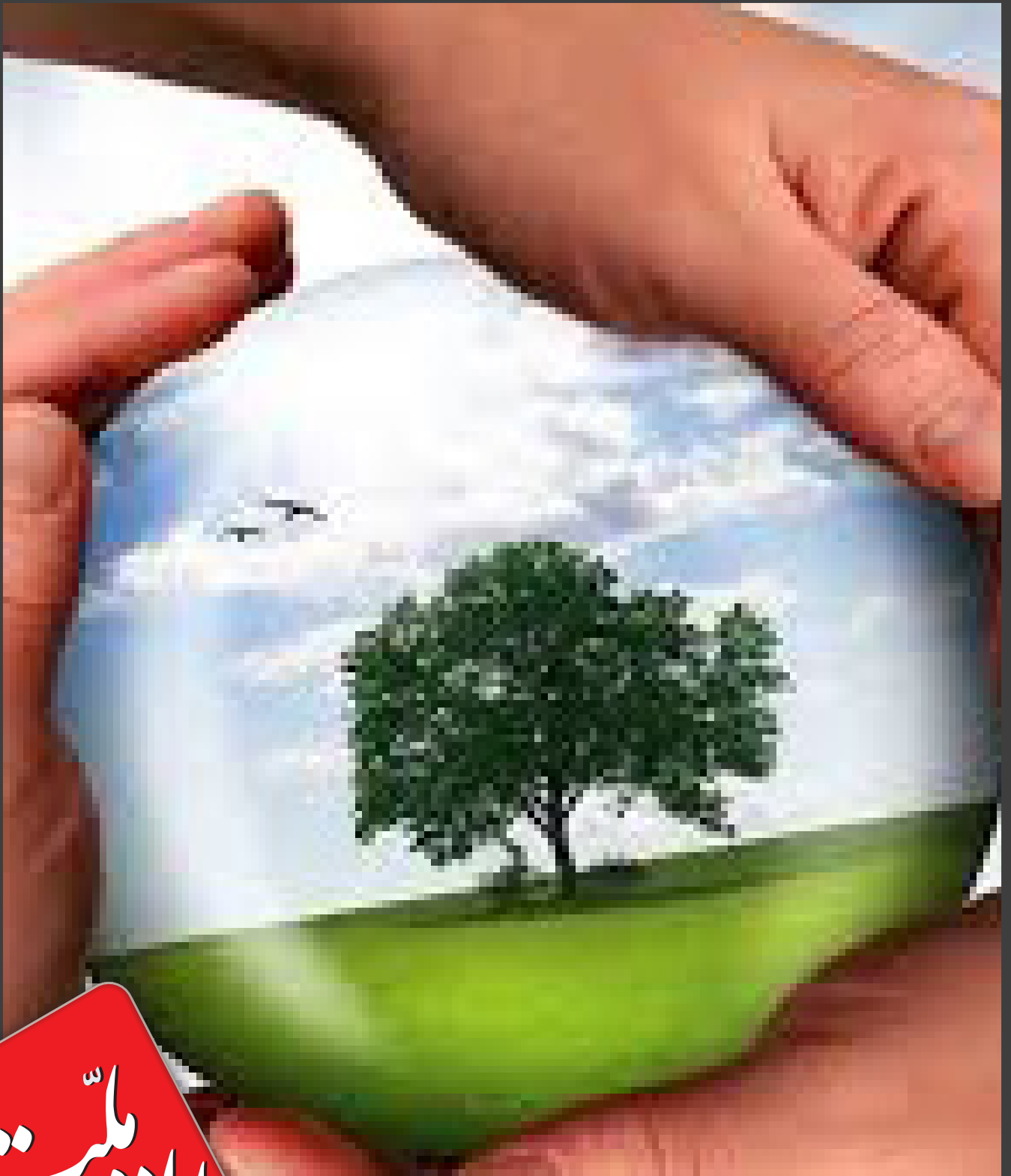
«قانون و مسئولیت» کتابی مفید و آموزشی برای مخاطبانی است که قصد دارند با پایه‌های قانون و نقش آن در جامعه آشنا شوند. این اثر مخصوصاً برای نوجوانان، دانش‌آموزان یا بزرگسالانی که تازه وارد حوزه حقوق شده‌اند توصیه می‌شود. هرچند از لحاظ عمق نظری محدود است، اما برای شروع فهم اصول حقوق و مسئولیت‌پذیری اجتماعی گزینه‌ای بسیار مناسب است.



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۱۰۰
۵ آذر سال ۱۴۰۴

محیط زیست



همایش «کودک و طبیعت» در هفته ملی کودک برگزار شد

در راستای بزرگداشت هفته ملی کودک و توجه به نقش طبیعت در رشد و سلامت روانی کودکان، همایش «کودک و طبیعت» روز نوزدهم مهرماه ۱۴۰۴ با حضور جمعی از فعالان محیط زیست و حوزه کودک در تهران برگزار شد. این برنامه به ابتکار کارگروه محیط زیست حزب اراده ملت ایران (حامی) و با هدف ترویج تجربه‌ی مستقیم طبیعت در آموزش‌های کودک‌کی شکل گرفت.

مهارت‌های زندگی و کاهش اضطراب دوران رشد سخن گفت. وی همچنین به نقش آموزش‌های روان شناختی در تقویت پیوند کودکان با محیط زیست پرداخت. خانم قشلاق از اعضای شورای آموزش «انجمن حمایت از حقوق کودکان» است.

این همایش با استقبال گرم فعالان حوزه‌ی کودک و محیط زیست همراه شد و شرکت کنندگان، لزوم ایجاد فضاهای طبیعی امن برای تجربه بازی و آموزش کودکان را مورد تأکید قرار دادند. مجری و دبیر نشست، خانم فاطمه امامی - رئیس کارگروه محیط زیست حامی، نویسنده، فعال محیط زیست و متخصص آموزش محیط زیستی - اجرای برنامه را بر عهده داشت و ضمن جمع بندی سخنان، بر ادامه چنین نشست‌هایی در قالب برنامه‌های فرهنگی و علمی کودک محور تأکید کرد.

در این نشست، دو سخنران اصلی به بررسی ابعاد علمی و تربیتی ارتباط کودک با طبیعت پرداختند.

خانم مژگان احمدیه، دانش آموخته‌ی مهندسی جنگل و طراحی سبز از دانشگاه‌های گیلان و اصفهان، با مرور سوابق فعالیت‌های خود از سال ۱۳۷۳ در موزه حیات وحش ایران، بر ضرورت تأمین تجربه‌ی ملموس طبیعت برای کودکان تأکید کرد. او که عضو هیأت مدیره «بنیاد کودک و طبیعت» و «انجمن حمایت از حقوق کودکان» است، در سخنان خود به طرح «حق کودک و طبیعت» اشاره نمود؛ طرحی داوطلبانه با هدف افزودن این حق به پیمان نامه جهانی حقوق کودک.

سخنران دوم، شهربانو قشلاق، متخصص روان شناسی بالینی و سلامت و مشاور کودک و خانواده، درباره تأثیر طبیعت بر



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۱۰۰

۵ آذر سال ۱۴۰۴

نشست کودک و طبیعت



مژگان احمدیه
عضو هیأت مدیره بنیاد کودک و طبیعت و هیأت مدیره انجمن حمایت از حقوق کودکان است و در جهت تأمین تجربه طبیعت برای کودکان تحت عنوان حق کودک و طبیعت و به منظور افزودن آن در پیمان نامه جهانی حقوق کودک می‌کوشد.



شهربانو قشلاق
عضو شورای آموزش انجمن حمایت از حقوق کودکان، متخصص روانشناسی بالینی و سلامت، مشاوره کودک و خانواده و اجرای برنامه‌های آموزش مهارت‌های زندگی در مدارس.



فاطمه امامی
دبیر نشست و مجری: رئیس کارگروه محیط زیست حامی، کارشناس ارشد زیست جانوری و متخصص آموزش محیط زیست، تاکسیدرمیست و موزه حیات وحش، فعال محیط زیست و نویسنده داستان کوتاه و کتاب کودک برای محیط زیست.

زمانه: شنبه ۱۹ مهر ساعت ۱۹ تا ۲۱
مکان: در بستر میت کوکل پرگزار و قهوه ارجال میزده

برای شرکت کنندگان
در نشست: کوای سازه می‌گردد



کارگروه محیط زیست حزب اراده ملت ایران

بیانیه در خصوص وضعیت نگران کننده پارک چیتگر

در پی مشاهده خشکیدگی گسترده‌ی درختان و کاهش منابع آبی در پارک جنگلی چیتگر، کارگروه محیط زیست حزب اراده ملت ایران نسبت به وضعیت نگران کننده‌ی این بوستان بزرگ پایتخت هشدار داد. این بیانیه با تأکید بر نقش چیتگر به عنوان «ریه غرب تهران» و میراث طبیعی شهر، از نهادهای مسؤول خواسته است فوراً برای احیا و تأمین آب پایدار پارک اقدام کنند و از شهروندان نیز دعوت می‌کند در حفظ این سرمایه زیست محیطی مشارکت و مطالبه‌گری مؤثر داشته باشند.

با نهایت تأسف و نگرانی، شاهد خشک شدن تدریجی بخش‌های گسترده‌ای از پارک جنگلی چیتگر هستیم؛ یکی از بزرگ‌ترین و قدیمی‌ترین فضاهای سبز غرب تهران که سال‌ها به عنوان ریه تنفسی شهر و مکانی برای آرامش و تفریح شهروندان شناخته می‌شد.

خشکی درختان، کاهش منابع آبی، و نبود رسیدگی منظم در ماه‌های اخیر زنگ خطری جدی برای این میراث طبیعی است. ادامه این روند نه تنها موجب از بین رفتن هزاران اصله درخت و نابودی زیست‌بوم منطقه خواهد شد، بلکه تأثیر مستقیم بر کیفیت هوای تهران و سلامت ساکنان آن خواهد گذاشت.

از مسؤولان محترم شهرداری، سازمان جنگل‌ها، مراتع و آبخیزداری و دیگر نهادهای مرتبط انتظار می‌رود هر چه سریع‌تر برنامه‌ای جامع برای احیای پارک چیتگر تدوین و اجرا کنند. تأمین آب پایدار، کنترل آفات، و بازسازی اکوسیستم منطقه باید در اولویت قرار گیرد.

همچنین از شهروندان عزیز دعوت می‌شود با افزایش آگاهی، اطلاع‌رسانی و مطالبه‌گری مسؤولانه، در حفظ و نجات این سرمایه طبیعی سهیم باشند. پارک چیتگر تنها یک فضای سبز نیست؛ بخشی از هویت و خاطره جمعی تهران است. نجات چیتگر، نجات نفس تهران است.

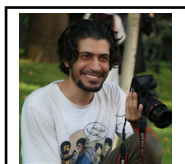


هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۱۰۰

۵ آذر سال ۱۴۰۴

اکالیپتوس؛ ناجی سبز یا تهدید خاموش برای منابع آب زیرزمینی



بهزاد میقانی

فعال محیط زیست

این بررسی، با اتکا به پژوهش‌های بین‌المللی و داده‌های هیدرولوژیک، به ارزیابی اثرات اکالیپتوس بر منابع آب زیرزمینی در مناطق مختلف ایران می‌پردازد. هدف، روشن کردن تفاوت‌های اقلیمی و مدیریتی است که می‌تواند این گونه‌ی سریع‌الرشد را به فرصتی پایدار یا چالشی جدی برای سفره‌های آب تبدیل کند. آنچه در ادامه آمده، جمع‌بندی علمی مطالعات انجام‌شده و توصیه‌هایی است که متخصصان منابع طبیعی برای مدیریت دقیق‌تر کاشت اکالیپتوس پیشنهاد می‌کنند.

بالا یا آبخوان کم‌عمق، از گسترش وسیع اکالیپتوس خودداری شود.

- انتخاب هوشمندانه گونه و تراکم: گونه‌های کم‌مصرف‌تر یا ترکیب با گیاهان بومی، اثرات منفی را کاهش می‌دهند.
- حفاظت از منابع سطحی: ایجاد نوارهای حائل بدون کاشت یا با گیاهان کم‌آب‌بر در اطراف چشمه‌ها و چاه‌ها ضروری است.
- پایش مستمر: سطح آب زیرزمینی و شاخص‌های تبخیر-تعریق در طول سال اندازه‌گیری و ثبت شود.

منابع علمی منتخب

1. Mattos, T.S. et al. (2019), Water کاهش تغذیه آبخوان پس از کاشت اکالیپتوس -
2. Engel, V. et al. (2005), Water Resources Research- پیامدهای هیدرولوژیک جنگلکاری با اکالیپتوس
3. White, D.A. et al. (2022), Hydrology and Earth System Sciences مرور علمی درباره مصرف آب در اکالیپتوس -
4. ACIAR Technical Report — Water Use and Productivity of Eucalyptus Plantations.
5. Medeiros, P.L. et al. (2025), MDPI Review «بررسی انتقادی افسانه «اکالیپتوس و خشکی خاک».

نتیجه کلی: خیر - اکالیپتوس را نمی‌توان بی‌قید و شرط در هر منطقه‌ای کاشت.

اکالیپتوس و منابع آب زیرزمینی

نتیجه‌ی کلی: با آن‌که اکالیپتوس درختی سریع‌الرشد و سودمند برای تولید چوب و کنترل فرسایش است، کاشت آن در همه مناطق به صورت بی‌قید و شرط توصیه نمی‌شود. اثر این گونه بر منابع آب زیرزمینی بسته به شرایط محیطی بسیار متفاوت است. پژوهش‌ها نشان می‌دهند که در برخی نواحی نیمه‌خشک، جایگزینی مرتع با اکالیپتوس موجب افزایش تبخیر-تعریق و کاهش تغذیه آبخوان می‌شود؛ در نتیجه سطح آب زیرزمینی افت می‌کند. در مقابل، در مناطق مرطوب یا دارای سطح ایستاب بالا، کاشت کنترل‌شده این درخت می‌تواند به کاهش آب‌گرفتگی و شوری خاک کمک کند. مطالعات مروری اخیر، از جمله White et al., HESS, 2022 و *Medeiros et al., MDPI, 2025 تأکید دارند که اثرات اکالیپتوس نه مطلقاً منفی‌اند و نه مثبت؛ بلکه به گونه، تراکم، نوع خاک، عمق سفره آب و مدیریت کشت بستگی دارند.

توصیه‌های مدیریتی برای مناطق مختلف
- ارزیابی پیش از کاشت: بررسی دقیق عمق ایستاب، الگوی بارش و نفوذپذیری خاک ضروری است.
- پرهیز از کاشت انبوه در مناطق خشک: در نواحی با فشار آبی



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۱۰۰

۵ آذر سال ۱۴۰۴

جهان در هفته ای که گذشت





هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۱۰۰

۵ آذر سال ۱۴۰۴

جهان در هفته‌ای که گذشت

جنجال «ویدیوی تقطیع شده» ترامپ؛ مدیر کل و رئیس خبر بی‌بی‌سی استعفادادند



تیم دیوی، مدیر کل بی‌بی‌سی و دبیر اترنس، مدیر عامل بخش خبری بی‌بی‌سی در پی جنجال ناشی از انتشار ویدیوی تقطیع شده از سخنرانی دونالد ترامپ استعفا دادند. این ویدیو به گونه‌ای ویرایش شده بود که گویی ترامپ در جریان سخنرانی در ژانویه ۲۰۲۱ صراحتاً مردم را به یورش به کنگره تشویق کرده است. در این ویدیو دو بخش از سخنرانی آقای ترامپ به گونه‌ای در کنار هم ویرایش شده که گویی او صراحتاً مردم را به شورش در کنگره آمریکا تشویق می‌کند. دبیر اترنس نیز شامگاه یکشنبه طی بیانیه‌ای گفت که جنجال پیرامون «پانوراما» به مرحله‌ای رسیده که به بی‌بی‌سی آسیب می‌زند و افزود: «مسئولیت نهایی با من است. در ویدیوی منتشر شده بخشی از سخنرانی آقای ترامپ که در آن می‌گوید: «ما به سوی ساختمان کنگره می‌رویم» در کنار بخشی دیگر از آن آمده که می‌گوید: «و من کنار شما خواهیم بود و ما مبارزه می‌کنیم».

امپراتوری ۱۴۲ میلیون پوندی علی انصاری در لندن؛ مالک بانک آینده چندین عمارت «خیابان میلیاردرها» را خرید



به گزارش تایمز، علی انصاری، سهامدار اصلی بانک منحل شده آینده مالک چندین عمارت به ارزش در مجموع ۱۴۲ میلیون پوند در یکی از محلات اعیان‌نشین لندن موسوم به «خیابان میلیاردرها» است. به گزارش روزنامه بریتانیایی تایمز، علی انصاری در سال ۲۰۱۳ از طریق یک شرکت کاغذی که در «جزیره من» (Isle of Man) ثبت شده بود، چندین ملک به ارزش مجموعاً ۷۳ میلیون پوند را در خیابان «بیشاپز» (The Bishops Avenue) و اطراف آن در



مهتاب قصابی

منطقه «همپستید» (Hampstead) لندن که به «خیابان میلیاردرها» معروف است، خریداری کرده است. تنها چند روز بعد، در ۳۰ اکتبر، بریتانیا آقای انصاری را به اتهام حمایت مالی از سپاه پاسداران تحریم کرد. بنابر سوابق ثبت املاک بریتانیا، آقای انصاری در سال ۲۰۱۳، ۱۲ ملک و زمین در خیابان «بیشاپز» و مناطق مجاور آن خریداری کرده است. این املاک توسط شرکت سرمایه‌گذاری «برچ» (Birch Ventures Limited)، ثبت شده در «جزیره من» خریداری شده و نام آقای انصاری به عنوان تنها ذی‌نفع این شرکت آمده است.

سنای آمریکا لایحه پایان تعطیلی دولت را تصویب کرد



سنای آمریکا در ۱۰ نوامبر توافق را تصویب کرد که به طولانی‌ترین تعطیلی دولت فدرال پایان می‌دهد. این تعطیلی باعث اختلال در کمک‌های غذایی و بیکاری صدها هزار کارمند فدرال شد. لایحه با ۶۰ رأی مثبت به تصویب رسید و مورد حمایت تقریباً تمامی جمهوری خواهان و هشت دموکرات قرار گرفت. توافق مذکور بودجه دولت را تا ۳۰ ژانویه تمدید می‌کند و طرح کاهش نیروی کار فدرال را متوقف می‌سازد. همچنین قرار است در دسامبر درباره یارانه‌های سلامت رأی‌گیری شود. این توافق پس از پیروزی‌های انتخاباتی دموکرات‌ها در نیوجرسی و ویرجینیا به دست آمده است. موکرات‌ها در سنا از ناکامی در دستیابی به سیاست بهتر طی تعطیلی دولت ابراز ناامیدی کردند. نظر سنجی‌ها نشان دادند که نیمی از آمریکایی‌ها جمهوری خواهان را مقصر می‌دانند.

کمک ۱ میلیارد دلاری ایران تحت تحریم به حزب الله لبنان؛ آمریکا: وقت قطع حمایت مالی ایران فرا رسیده است



دریافت کند. سازمان اطلاعات سیگنال های استرالیادر گزارش تهدید سایبری سال ۲۰۲۵ هشدار داده بود که داده های دولتی و دفاعی «هدف جذاب بازیگران سایبری دولتی» است. پروژه های دفاعی استرالیادر گذشته نیز هدف حملات سایبری قرار گرفته اند، از جمله در سال ۲۰۱۷ که یک پیمانکار دفاعی هک شد و داده های مربوط به برنامه جنگنده های اف ۳۵- و زیر دریایی های کلاس کالینز افشاشد.

بن بست خطرناک هسته ای؛ ایران آماده شلیک همزمان ۲ هزار موشک به اسرائیل است



سیاری در منطقه خاورمیانه بیم آن را دارند که بدون مذاکره، بدون نظارت و بدون شفافیت درباره میزان ذخایر اورانیوم غنی شده ایران، جنگی دیگر میان ایران و اسرائیل اجتناب ناپذیر باشد. روزنامه نیویورک تایمز در گزارشی تحلیلی تازه، به قلم استیون ارلنجر، سردبیر ارشد امور بین الملل این روزنامه و از با سابقه ترین گزارشگران خاورمیانه، وضعیت برنامه هسته ای ایران پس از پایان رسمی محدودیت های توافق سال ۲۰۱۵ و حملات تابستان گذشته آمریکا را بررسی کرد و هشدار داد که یک بن بست خطرناک شکل گرفته است؛ بن بستیی که در آن نه مذاکره ای در جریان است، نه نظارتی مؤثر بر فعالیت های هسته ای ایران وجود دارد و نه شفافیتی درباره میزان واقعی ذخایر اورانیوم غنی شده این کشور. به نوشته روزنامه آمریکایی، هر چند دونالد ترامپ تأکید دارد که حملات آمریکا در تابستان امسال «برنامه غنی سازی ایران را نابود کرده»، اما با گذشت ماه ها، مقام های منطقه ای و کارشناسان نسبت به این ادعا تردیدهای جدی ابراز کرده اند.

اخراج پناهجویان ایرانی از آمریکا؛ نیویورک تایمز: دست و پا بسته، کتک خورده و کشتن کشتن سوار هواپیما شدند



به گفته آقای دلیر و دست کم هشت فرد دیگر، آن ها به شدت در برابر اخراج مقاومت کردند و بارها به مقامات آمریکایی گفتند که ایران آنان را تحت پیگرد قرار خواهد داد و بیم جان خود را دارند. وزارت خارجه ایران طی بیانیه ای گفت که بیش از ۴۰۰ ایرانی در ایالات متحده با اخراج مواجه اند و برنامه ریزی برای پروازهای بیشتر در جریان است. به گزارش نیویورک تایمز، نه آقای دلیر و نه دیگر ایرانی اخراج شده که در این گزارش با نام ای. به گفته آقای دلیر، او و دیگر ایرانیانی که در لوئیزیانا در بازداشت بودند، زمانی متوجه شدند اخراجشان قریب الوقوع است که ابوالفضل مهرآبادی، رئیس دفتر حافظ منافع تهران در واشنگتن برای دیدار با آن ها به بازداشتگاه آمد. بنابر اظهارات آقای دلیر و دیگر اخراج شدگان عزیمت با هرج و مرج همراه بود و مأموران اداره مهاجرت و گمرک آمریکا (ICE) با برخی از کسانی که از سوار شدن به هواپیما امتناع می کردند، درگیر شدند.

یک مقام ارشد آمریکایی اعلام کرده که ایالات متحده در حال بهره برداری از «فرصت کنونی در لبنان» برای قطع منابع مالی ایران به حزب الله و فشار به خلع سلاح این گروه است. جان هرلی، معاون وزارت خزانه داری آمریکا، بیان کرد که ایران علی رغم تحریم ها، حدود یک میلیارد دلار به حزب الله منتقل کرده است. او تأکید کرد که راهبرد «فشار حداکثری» آمریکا هدفش محدود کردن نفوذ ایران، به ویژه در لبنان، است. هرلی همچنین درباره تحریم های جدید علیه افرادی که به تأمین مالی حزب الله کمک می کنند، صحبت کرد و گفت که این لحظه می تواند سرنوشت ساز باشد تا لبنان بتواند کشورش را پس بگیرد. شنبه، با وجود آتش بس یک ساله، حملات هوایی گسترده ای به جنوب لبنان انجام شد. دولت لبنان به خلع سلاح گروه های مسلح غیردولتی، از جمله حزب الله، متعهد است، اما حزب الله مخالف خلع سلاح کامل است. همچنین، مقام های این گروه خواستار عدم ورود دولت به مذاکرات خلع سلاح شده اند. آمریکا نیز به نیروهای امنیتی لبنان کمک مالی کرده است.

تشدید بحران کم آبی در ایران؛ جیره بندی شبانه آب به تهران رسید



در شرایطی که دولت ایران سعی در پررنگ کردن هر چه بیشتر نقش کاهش بارندگی هادر بحران کم آبی دارد، کارشناسان وضعیت فعلی در ایران را نتیجه عواملی مختلفی می دانند که نقش دولت و الگوی مصرف شهروندان در شکل گیری آنها بسیار زیاد بوده است. در حالی که گزارش آژانس محیط زیست اروپا در سال ۲۰۲۱ نشان می دهد که نرخ اتلاف آب در کشورهای اروپایی که مدیریت نوین شبکه توزیع آب روی آورده اند به ۶ تا ۱۲ درصد کاهش یافته است. مطابق گزارش وزارت نیروی ایران، سرانه مصرف آب خانگی طی شبانه روز بین ۲۰۰ تا ۲۵۰ لیتر است که در برخی کلانشهرها مانند تهران و کرج تا ۲۸۰ لیتر نیز می رسد؛ در حالی که آژانس محیط زیست اروپا میانگین مصرف خانگی در قاره سبز و بارانی تر را بین ۹۰ تا ۱۵۰ لیتر اعلام کرده است.

هکرهای «وابسته به ایران» نقشه های خودروهای زرهی ۷ میلیارد دلاری استرالیاراسرقت و منتشر کردند



یک گروه هکری که گفته می شود وابسته به ایران هستند پس از مجموعه ای از حملات سایبری علیه شرکت های تسلیحاتی اسرائیل، نقشه های محرمانه خودروهای زرهی جدید استرالیارابه صورت آنلاین منتشر کرده است. این گروه مدعی شده که پس از نفوذ به شرکت زنجیره تأمین «مایا تکنولوژی» در بیش از یک سال پیش، موفق شده از ۱۷ شرکت دفاعی اسرائیل داده های محرمانه سرقت کند. ارتش استرالیا قرار است ۱۲۷ دستگاه از این خودروهای رزمی را در قالب قراردادی حدود ۷ میلیارد دلاری با شرکت «هانوادیفنس» کره جنوبی



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۱۰۰

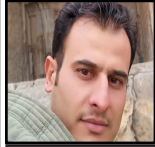
۵ آذر سال ۱۴۰۴

اخبار حزبی

مديران
خبر اراده

تاسیس ۱۳۶۹





حسن غلامی

اخبار حزبی

حکیمی پور دبیر کل حزب اراده ملت ایران شد



جلسه شورای مرکزی حزب اراده ملت ایران (حاما) روز جمعه ۲۳ آبان با حضور اکثریت اعضا برگزار و طی آن احمد حکیمی پور به عنوان دبیر کل جدید ایت حزب انتخاب شد.

در این جلسه، نخستین دستور کار به بررسی ناترازی های حوزه آب و پیامدهای آن بر استان ها و مناطق مختلف کشور اختصاص یافت. اعضای شورا پس از ارائه گزارش ها و طرح دیدگاه های کارشناسی، تصمیم گرفتند کارگروهی ویژه برای بررسی علل ناترازی آب و تدوین راهکارهای پیشنهادی در چارچوب کمک به دولت و دستگاه های مسئول تشکیل دهند. مأموریت این کارگروه، تهیه گزارشی جامع و ارائه راهکارهای اجرایی در حد توان و ظرفیت حزبی اعلام شد.

در بخش دوم جلسه، با توجه به پایان دوره فعالیت دبیر کل پیشین، موضوع انتخاب دبیر کل جدید در دستور کار قرار گرفت. بر اساس پیشنهاد اعضای شورای مرکزی و با رأی اکثریت حاضرین، احمد حکیمی پور به عنوان دبیر کل جدید حزب اراده ملت ایران انتخاب شد. پیش از این، افشین فرهانچی مسئولیت دبیر کلی حزب را بر عهده داشت. شورای مرکزی در پایان جلسه ضمن قدردانی از تلاش های دبیر کل پیشین، بر ضرورت تقویت فعالیت های حزبی، توسعه ارتباط با بدنه اجتماعی و پیگیری مسائل ملی در چارچوب مسؤولیت پذیری جمعی تأکید کرد.



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۱۰۰

۵ آذر سال ۱۴۰۴

آغاز به کار گروه تلفیق برنامه ریزی بلندمدت حزب اراده ملت ایران

گروه تلفیق برنامه ریزی بلندمدت حزب اراده ملت ایران با برگزاری نخستین نشست خود در تاریخ ۳۰ مهر، روند تدوین برنامه راهبردی هفت ساله حزب را رسماً آغاز کرد. این گروه ۱۵ عضو دارد که از میان آنان ۱۳ نفر صاحب حق رأی هستند. دوازده نفر از اعضای دارای حق رأی، بر اساس فراخوان دبیر کل حزب، به صورت داوطلبانه اعلام آمادگی کرده و پس از بررسی، برای حضور در ترکیب گروه انتخاب شده اند.

بنابر اعلام دبیر خانه، سه نفر از اعضای گروه مسؤولیت تدوین گری و یکپارچه سازی نهایی برنامه راهبردی را بر عهده دارند و جلسات رسمی گروه نیز به صورت هفتگی، هر دوشنبه ساعت ۲۱ برگزار می شود. تاکنون روند پیشبرد کار به صورت منظم در جریان است و بخش های مختلف برنامه در حال جمع بندی و تکمیل است.

برنامه راهبردی هفت ساله حزب، طی سه تا چهار ماه آینده نهایی شده و برای بررسی و تصویب در اختیار شورای مرکزی قرار خواهد گرفت. همچنین مقرر است نسخه نهایی این سند، در نخستین کنگره پیش رو به صورت رسمی ارائه شود تا پس از تصویب نهایی، مبنای جهت گیری و اقدام حزب در سال های آینده قرار گیرد.



ابقا هیات اجرایی با حضور دبیر کل جدید



پس از آغاز دوره جدید مدیریتی در حزب اراده ملت ایران، دبیر کل تازه بر گزیده بر حفظ انسجام درونی و تداوم همکاری های تشکیلاتی تأکید کرد.

در نخستین نشست رسمی پس از انتخاب احمد حکیمی پور به عنوان دبیر کل جدید حزب اراده ملت ایران، وی با تقدیر از زحمات دوره های گذشته، ابقای اعضای هیأت اجرایی حزب را اعلام کرد. حکیمی پور بایان این که «پیشبرد اهداف حزب در گرو همدلی، تجربه محوری و مشارکت فعال همه اعضاست»، ابراز امیدواری کرد که فعالیت های پیش رو با اتکاب به توان جمعی، انسجام سازمانی و نگاه آینده نگر دنبال شود.

او همچنین تأکید کرد که دوره جدید مدیریتی بر همکاری نزدیک با تمامی اعضا استوار خواهد بود و مسیر پیش رو با همراهی و اراده مشترک، پویاتر و کارآمدتر پیموده خواهد شد.



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

«مدرسه حزبی ۳»؛ آغاز دوره زمستان در افق تازه اندیشه و آموزش سیاسی

سومین دوره مدرسه حزبی حاما با آغاز ترم زمستان ۱۴۰۴، گام تازه ای در مسیر ترویج دانش سیاسی، تربیت نیروهای تحلیلی و پیوند میان آموزش و کنش اجتماعی برداشته است.

این دوره که با توجه به تجربه های موفق دو ترم پیشین طراحی شده، دربرگیرنده پنج کلاس تخصصی و فکری است که هر یک از حوزه های مهم سیاست، جامعه و فرهنگ ایران سخن می گوید.

در این دوره، پنج استاد برجسته کشور با موضوعاتی متنوع، از سیاست تا اقتصاد و از طبیعت تا مدیریت منابع، همراه دانش پژوهان خواهند بود:

- دکتر محمود نادرخانی - کلاس مدیریت منابع آب و چالش های پیش رو، با نگاهی علمی به بحران های زیست محیطی و راهکارهای راهبردی در مدیریت آب.
- سید محمد حاجی سیدجوادی - کلاس ملت لیبرال، تلاشی برای فهم مفهوم لیبرالیسم و نسبت آن با ساخت سیاسی و اجتماعی ایران امروز.
- بهاره کیانی و محمدرضا اسلامی - کلاس کودکی، یادگیری و طبیعت در ایران امروز، بازخوانی تجربه آموزش و تربیت در پیوندی زنده با زیست طبیعی.
- دکتر محمدرضا اسلامی - کلاس گام های معنادار در سیاست، بررسی سازوکار کنشگری مسئولانه و طراحی مسیرهای مؤثر در سیاست ورزی حزبی.
- دکتر لطفعلی عاقلی - کلاس آشنایی مقدماتی با علم اقتصاد، آموزش مبانی اقتصاد مدرن و ارتباط آن با تصمیم سازی های اجتماعی و سیاسی.

- با شعار همیشگی «دانش، سازمان، قدرت»، مدرسه حزبی حاما در سومین دوره خود نیز می کوشد بستری برای رشد آگاهی، توانمندسازی سیاسی و تقویت خرد جمعی در میان نسل تازه اندیشه ورزان ایرانی فراهم سازد.

مدرسه حزبی حاما	
دراولین دوره ترم زمستان برگزار می کند	
(شروع دوره از ۱ دی ماه ۱۴۰۴ و به مدت چهار جلسه می باشد)	
برای ثبت نام یا ذخیره (رزرو) هر یک از دوره ها، می توانید به شماره ۰۹۰۴۵۹۸۴۲۷۶ پیام بفرستید: https://telegram.me/kooshki_m7 هزینه دوره ۱۵۰ هزار تومان اعضا حزب اراده ملت ۸۰ درصد تخفیف اعضا سایر احزاب، جوانان و زنان ۵۰ درصد تخفیف	دوره مجازی مدیریت منابع آب و چالش های پیش رو مدرس: محمود نادرخانی شنبه ها - ساعت ۲۱
دوره مجازی ملت لیبرال مدرس: سید محمد حاجی سید جوادی یکشنبه ها - ساعت ۱۵	دوره مجازی کودکی، یادگیری و طبیعت در ایران امروز مدرس: بهاره کیانی - محمدرضا اسلامی دوشنبه ها - ساعت ۱۹
دوره مجازی گام های معنادار در سیاست مدرس: محمدرضا روستایی سه شنبه ها - ساعت ۲۱	دوره مجازی آشنایی مقدماتی با علم اقتصاد مدرس: لطفعلی عاقلی چهارشنبه ها - ساعت ۱۵

شماره ۱۰۰

۵ آذر سال ۱۴۰۴



سازمان آگهی

برای درج تبلیغات خویش، پوستر طراحی شده را
به آدرس پایین ایمیل

Hgolami1367@gmail.com

و یا

به شماره زیر از طریق واتساپ ارسال نمائید

۰۹۳۰۵۴۲۹۵۱۵



مدرسه حزبی حاما در ترم زمستان برگزار می کند

ملت لیبرال

یکشنبه ها ساعت ۱۵
شروع دوره: ۷ دی



**سید محمد
حاجی سید جواد**

مترجم و پژوهشگر
فعال سیاسی و عضو حزب ایران
ترجمه ها:
پیش نیازهای سوسیال دموکراسی ادوارد برنشتاین
تابستان کوتاه آنارشی، انزنسبرگر (در دست انتشار)



مدرسه حزبی حاما در ترم زمستان برگزار می کند

آشنایی مقدماتی با علم اقتصاد

چهارشنبه ها ساعت ۱۵
شروع دوره: ۳ دی



**لطفعلی
عاقلی**

دانشیار اقتصاد منابع و عضو هیأت علمی دانشگاه تربیت مدرس
تدریس در دوره دکتری: علوم اقتصادی - اقتصاد منابع
تدریس در دوره کارشناسی ارشد: اقتصاد انرژی و بازاریابی
دوره دکتری: اقتصاد خرد پیشرفته، اقتصاد سلامت پیشرفته، موضوعات
انتخابی در اقتصاد، تحلیل نظریه های اقتصادی، کاربرد اقتصادسنجی
در تحلیل استراتژی
صفحه رسمی لطفعلی عاقلی

https://pro.modares.ac.ir//pro/academic_staff/aghelik#sidebar



مدرسه حزبی حاما در ترم زمستان برگزار می کند

کودکی، یادگیری و طبیعت در ایران امروز

از پشته‌های نظری تا تجربه‌های عملی و گفتگوهایی مدارس طبیعت
بازخوانی رویکردها، تجربیات و تأملی بر امکان‌ها

دوشنبه‌ها ساعت ۲۱

شروع دوره: ۱ دی



محمد رضا

اسلامی

پژوهشگر علوم اجتماعی

تسهیلگر حوزه کودک، طبیعت، تجربه

هم‌بنیان‌گذار مؤسسه کودک و طبیعت دامون



بهاره

کیانی

کارشناسی ارشد طراحی و برنامه‌ریزی شهری

پژوهشگر دکترای علوم تربیتی

کنشگر حوزه کودک، طبیعت، فضا و تجربه

هم‌بنیان‌گذار مؤسسه کودک و طبیعت دامون



مدرسه حزبی حاما در ترم زمستان برگزار می کند

مدیریت منابع آب و چالش های پیش رو

شنبه ها ساعت ۲۱
شروع دوره: ۶ دی



**محمود
نادر خانی**

دکتری زمین شناسی نفت
مشاور دکتر شیرین نژاد در بحث مدیریت منابع آب
زمین شناسی تحت الارضی
تألیفات: ارزیابی پتروفیزیکی سازند سروک در میدان
نفتی آزادگان
ارزیابی ژوشیمیایی پتروفیزیکی سازندگدوان در میدان
نفتی آزادگان
ارزیابی محزن سروک و خلیج فارس با روند غربی و
شرقی



مدرسه حزبی حاما در ترم زمستان برگزار می کند

گام های معنادار در سیاست

سه شنبه ها ساعت ۲۱

شروع دوره: ۲ دی



محمد رضا روستایی

کارشناسی ارشد علووم سیاسی
کارشناس احزاب استانداری فارس
عضو سابق شورای مرکزی حاما
نائب رئیس سابق دفتر سیاسی حاما
رئیس ستاد جوانان ستاد مردمی دکتر پزشکیان استان فارس

خاطرات سیاسی

www.khsmag.ir

۲۹ خاطرات سیاسی ۱۴۰۴

فصلنامه سیاسی، اجتماعی، فرهنگی
سال هشتم - شماره ۲۹ - تابستان ۱۴۰۴
۳۰۰ صفحه - ۲۰۰,۰۰۰ تومان





تازه های انتشارات حزب اراده ملت ایران

مجموعه سازوکار حزبی

برای تهیه کتاب به غرفه انتشارات در بازار باسلام (www.basalam.com) مراجعه کنید.

نسخه الکترونیکی کتاب ها در سایت طاقچه موجود است.

مسئول فروش انتشارات: ۰۹۳۰۵۴۲۹۵۱۵

انتشارات حزب اراده ملت ایران منتشر کرده است



برای خرید نسخه کاغذی کتاب می‌توانید با شماره تلفن ۰۹۳۰۵۴۲۹۵۱۵ تماس گرفته و یا در اپلیکیشن باسلام، ترب خرید نمایید.

برای خرید نسخه الکترونیکی کتاب می‌توانید به اپلیکیشن یا سایت طاقچه مراجعه نمائید.

انتشارات حزب اراده ملت ایران منتشر کرده است



برای خرید نسخه کاغذی کتاب می‌توانید با شماره تلفن ۰۹۳۰۵۴۲۹۵۱۵ تماس گرفته و یا در اپلیکیشن باسلام، ترب خرید نمایید.
برای خرید نسخه الکترونیکی کتاب می‌توانید به اپلیکیشن یا سایت طاقچه مراجعه نمایید.